

ایشت رون

سال سی و ششم، شماره اول
فروردین واردیپیش ۱۴۰۴
ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۱

سید احمد رضا قائم‌مقامی | سید محمدحسین حکیم | فرزاد ضیائی حبیب‌آبادی | علی کاشفی خوانساری
سیدعلی میرافضلی | حمید عطائی نظری | عرفان پاپری دیانت | مرتضی کریمی‌نیا | امید حسینی‌نژاد
شیوا امیرهدایی | جویا جهانبخش | شیرین فراهانی | امید طبیب‌زاده | امیرحسین آزاد | رسول جعفریان
اشکان خطیبی | مریم حسینی | حیدر عیوضی | اریا طبیب‌زاده | مجید جلیسه | میلاد بیگدلو | کیامهر نامور
علی نیکزاد | امید رضائی | گلپرنسزی | امیرارغوان | علی کاملی | اکبرثبوت | علی راد
ابن‌مقفع | طومار(۱۰) | نوشتگان(۱۲) | خراسانیات(۴) | اهتمام ناتمام
بتخانه سومنات | چاپ نوشت(۱۸) | نسخه‌خوانی(۴۰) | گزارش یک زندگی
آینه‌های شکسته(۸) | حکایت زنگی بسکردنی | با همدلان عین‌القضات
فخر مدبر و شجرة نسبش | امیرحسینی هروی و خیام | فتح خوارزم و بیتی از عنصری
یادداشت‌های لغوی و ادبی(۴) | کهن‌ترین ترجمه فارسی انجیل | گفت‌وگو درباره پاسخی به یک نقد
برگی از تاریخ گیاه‌شناسی در ایران | معرفی شاهنامه موزخ ۸۰۸ هجری | نسخه شناسی مصاحف قرآنی(۲۲)
دو کلمه از آثار باقیه ابو ریحان بیرونی | «دیباچه» از یاد رفته سیر حکمت در اروپا
نقدي بر تصحیح اخیر دیوان ابوالفرح رونی | شیخ سعدی در نظامیه چه می‌گردد آ است؟!
خلاقیت یا اقتباس در سندنویسی دوره قاجار | نقد ترجمه فارسی اخلاق اسپینوزا اثر محسن جهانگیری
مدخل ادبیات کودک در دانشنامه ایرانیکا و حاشیه‌هایی بر آن
اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر
نکته، حاشیه، یادداشت | پیوست آینه‌پژوهش: وزن‌های سیمین بهبهانی

گفتند «یا با خموشی، خوگر شود یا بمیرد»
اما به خواندن قناری، محشر کند تا بمیرد (سیمین)

وزن‌های سیمین بهبهانی

پیشنهاد انگاره‌ای برای طبقه‌بندی وزن‌های فرعی در اشعار فارسی^۱

استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ | امید طبیب‌زاده
| ۷۱۰ - ۶۴۷ |

۶۴۷

آینهٔ پژوهش | ۲۱۱
سال | ۳۶ شماره
۱۴۰۴ فروردین واردیهشت

۱. استاد ابوالحسن نجفی همواره از اهمیت بررسی وزن‌های سیمین بهبهانی سخن می‌گفت و حتی قرار بود در آخرین همایش وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز، سخنرانی خود را با عنوان «وزن‌های سیمین بهبهانی» ابراد کند که متأسفانه به علت بیماری و شدت گرفتن آن نتوانست به این تصمیم جامه عمل پیوشاند. بنده در این مقاله کوشیده‌ام براساس آراء ایشان و در حد توانم به این مهم پردازم و جای خالی این تحقیق را پر کنم. این مقاله را تقدیم می‌کنم به یاد و خاطره ایشان که به حق مؤسس عروض فارسی جدید است.

فرض ما در این مقاله براین است که تمام وزن‌های رایج و پرکاربرد شعر فارسی که خود به دو دستهٔ وزن‌های اصلی و مشتق تقسیم می‌شوند، به‌سادگی در درون دستگاه وزنی یا نظام طبقه‌بندی ابوالحسن نجفی (۱۳۹۷) می‌گنجند، اما تعدادی وزنِ عمدتاً جدید و در عین حال مطبوع باقی می‌ماند که به‌سادگی در نظام طبقه‌بندی ابوالحسن نجفی نمی‌گنجند که ما آنها را وزن‌های فرعی نامیده‌ایم. سیمین بهبهانی از وزن‌های فرعی بسیاری در اشعار خود استفاده کرده است (رک. بهبهانی ۱۳۸۸: ۶۲۵-۶۱۱؛ الهی ۱۳۷۶)، و ما در این مقاله در چهارچوب قواعد و شیوهٔ تقطیع ابوالحسن نجفی (۱۳۵۲؛ ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷) و نیز شیوهٔ طبقه‌بندی علی اصغر قهرمانی مقبل (۱۴۰۲؛ ۱۳۹۷)، می‌کوشیم تا اولاً تمام آنها را استخراج و توصیف کنیم، و ثانیاً راهی برای گنجاندن آنها در درون نظام طبقه‌بندی ابوالحسن نجفی و در نتیجه طبقه‌بندی و نام‌گذاری آنها پیشنهاد کنیم. به عبارت دیگر، وزن‌های اصلی و مشتق اعضای طبیعی و واقعی (actual) طبقه‌بندی نجفی هستند زیرا اساساً نجفی طبقه‌بندی خود را برای توصیف همین دسته از وزن‌ها طراحی کرده است، اما بسیاری از وزن‌های فرعی لزوماً از اعضای طبیعی و واقعی این دستگاه نیستند، و ما در اینجا می‌کوشیم تا با طرح برخی قواعد وزنی محلی و نیز نامی برای این وزن‌ها در درون آن دستگاه پیشنهاد کنیم.

۶۴۹

آینهٔ پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱۴۰
۱۴۰۶ فروردین واردیبهشت

در این مقاله ابتدا بر اساس آراء ابوالحسن نجفی، وزن‌های شعر عروضی فارسی را به چهار گروه کلّی وزن‌های اصلی، مشتق، فرعی، و خارج از دستگاه تقسیم و هر کدام را به اختصار تعریف کرده‌ایم. در مورد تعیین محل وزن‌های اصلی و مشتق در نظام‌های طبقه‌بندی پیش از این پژوهش‌های مفصلی صورت گرفته و راه‌هایی پیشنهاد شده است (رک. نجفی ۱۳۹۷؛ قهرمانی ۱۴۰۲؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۱؛ و مخصوصاً طبیب‌زاده ۲۰۲۵)، اما در مورد تعیین محل وزن‌های کم کاربرد کوتاه و مخصوصاً وزن‌های فرعی فقط به چند فهرست یا به دو سه پژوهش مختصر می‌توان اشاره کرد (مثالاً رک. شمیسا ۱۳۷۵؛ مدرسی ۱۳۸۴؛ وحیدیان کامیار ۱۳۸۹؛ و مخصوصاً سلمانی وحدادی ۱۳۹۷). سپس می‌کوشیم تا بر اساس همان دو شیوهٔ تقطیع و طبقه‌بندی (نجفی ۱۳۹۷؛ قهرمانی مقبل ۱۴۰۲)، و نیز با طرح قواعدی چون قلب و کاهش و افزایش، راهی را برای طبقه‌بندی و نام‌گذاری دقیق وزن‌های فرعی پیشنهاد کنیم و در نهایت فهرستی طبقه‌بندی شده از این وزن‌ها در اختیار بگذاریم. در اینجا برای تکمیل پیکرهٔ خود، علاوه بر وزن‌های کم کاربرد و مشتق و فرعی سیمین بهبهانی (۱۳۸۸)، وزن‌هایی را نیز از آثار شاعران دیگر استخراج و به فهرست خود افزوده‌ایم، به طوری که از این فهرست می‌توان در مقام انگاره یا سرمشقی نسبتاً جامع برای طبقه‌بندی و نام‌گذاری وزن‌های گوناگون شعر فارسی استفاده کرد.

مقدمه

شاید هیچ شاعری در طول تاریخ شعر فارسی به اندازه سیمین بهبهانی از وزن‌های کم‌کاربرد و مشتق و فرعی استفاده نکرده باشد (برای مشاهده برخی از این وزن‌ها مثلاً رک محمدی؛ ۱۳۹۰؛ سلمانی و حدادی ۱۳۹۷؛ استخارج و برسی این وزن‌ها در دیوان او ما را با گسترۀ وسیع و متنوعی از این قبیل وزن‌ها آشنا می‌کند. نجفی وزن‌های شعر عروضی فارسی را به چهار گروه کلی وزن‌های اصلی، مشتق، فرعی، و خارج از دستگاه تقسیم می‌کند که در اینجا هر کدام را به اختصار معرفی می‌کنیم).

وزن‌های اصلی بیشترین وزن‌های شعر فارسی را تشکیل می‌دهند. نجفی این وزن‌ها را به دو گروه وزن‌های متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان تقسیم می‌کند؛ وی در مورد وزن‌های اصلی مطلقاً قائل به وجود وزن‌های مختلف‌الارکان نیست (نجفی ۱۳۵۲؛ ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷). تقطیع و طبقه‌بندی و نام‌گذاری وزن‌های اصلی در چهارچوب دست‌آوردهای عروض جدید کار نسبتاً ساده‌ای است.

وزن‌های مشتق که تعدادشان بسیار کمتر از وزن‌های اصلی است، به وزن‌های اطلاق می‌شود که با کمک برخی قواعد اشتراقی زایا (productive) مانند قاعدة تفرع وزن یا سیمینه، و قاعدة تسکین، از روی وزن‌های اصلی ساخته می‌شوند؛ تقطیع و طبقه‌بندی و نام‌گذاری این وزن‌ها نیز که غالباً مختلف‌الارکان هستند، کار چندان دشواری نیست و به راحتی می‌توان محل آنها درون دستگاه طبقه‌بندی وزن‌ها تعیین کرد.

وزن‌های فرعی به وزن‌های بسیار کم‌کاربرد و تماماً مختلف‌الارکانی اطلاق می‌شود که به سادگی در درون نظام طبقه‌بندی ابوالحسن نجفی نمی‌گنجند و درنتیجه طبقه‌بندی و نام‌گذاری آنها کار آسانی نیست. در این مقاله پیشنهاد می‌کنیم که وزن‌های فرعی با برخی قواعد موردي یا غیرزايا مانند قواعد کاهشی و افزایشی و قلب، از وزن‌های اصلی مشتق و نام‌گذاری کنیم. درواقع پیشنهاد این قواعد و شیوه‌ای برای بازنمایی آنها در نظام طبقه‌بندی نجفی موضوع اصلی مقاله حاضر است.

در بین وزن‌های شعر فارسی دسته دیگری نیز وجود دارد که با بیش از یک قاعدة وزنی غیرزايا از وزن‌های اصلی مشتق می‌شوند. ما این وزن‌ها را که تعدادشان بسیار اندک و درواقع انگشت شمار است، وزن‌های خارج از دستگاه می‌نامیم و در این مقاله بیش از این به آنها نمی‌پردازیم (برای مشاهده وزن‌های خارج از دستگاه رک. طبیب‌زاده ۱۴۰۱ ب: ۱۵۶).

۶۵

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

در این مقاله براساس قواعد و شیوه تقطیع ابوالحسن نجفی (۱۳۵۲؛ ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۵)، و نیز در چهارچوب طبقه‌بندی علی اصغر قهرمانی مقبل (۱۳۹۷؛ ۱۴۰۲؛ ۱۴۱؛ ۱۶۷-۱۴۱)، ابتدا انواع وزن‌های اصلی و مشتق و فرعی را معرفی و همراه با شواهدی توصیف می‌کنیم، سپس به اختصار نکاتی را درباره برخی اختیارهای منسوخ شعر فارسی طرح می‌کنیم و بعد از وزن‌های دوری در اشعار سیمین بهبهانی سخن می‌گوییم، آنگاه درباره نحوه طبقه‌بندی و نام‌گذاری آنها بحث می‌کنیم، و بالاخره در بخش هفتم مقاله که بخش اصلی گفتار ماست، فهرستی از انواع این وزن‌ها را در اشعار سیمین بهبهانی و برخی شاعران دیگر براساس طبقه‌بندی قهرمانی مقبل عرضه می‌داریم.

۱. وزن‌های اصلی

وزن‌های اصلی به دو گروه متفق‌الارکان (مثال: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن») و متناوب‌الارکان (مثال: «فاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن») تقسیم می‌شوند که برخی بسیار پرکاربرد و برخی دیگر به هر دلیل بسیار کم کاربرد هستند. مثلاً وزن «فعولن فعلون فعلن فعل» از وزن‌های بسیار پرکاربرد شعر فارسی است، و وزن «فعولن فعلون فع» از وزن‌های کم کاربرد؛ یا وزن «مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن» وزنی پرکاربرد است و وزن «مفتعلن مفاعل» وزنی بسیار کم کاربرد است. خواهیم دید که تعیین محل این دسته از وزن‌های کم کاربرد نیز در طبقه‌بندی وزن‌ها کار بسیار ساده‌ای است. اما دسته دیگری از وزن‌های اصلی وجود دارد که به علت طول بسیار کوتاهی که دارند، به بیش از یک شیوه تقطیع می‌شوند و درنتیجه در بیش از یک طبقه می‌گنجند. مثلاً بیت دوری زیر را به دو طریق می‌توان تقطیع کرد:

بر من گذشتی // سر بر نکردی

از عشق گفتم // باور نکردی (سیمین بهبهانی ۱۳۸۸: ۴۰۸)

یکی به صورت «مفعول مفعول» (- - / - / -)، و دیگری به صورت «مستفعلن مس» // (- - / - / -). چنان‌که خواهیم دید ما این گونه وزن‌ها را در این مقاله به هر دو شیوه تقطیع کرده‌ایم، و در طبقه‌بندی خود نیز آن را در دو محل گوناگون درج کرده‌ایم، اما از هر محل به محل دیگر ارجاع داده‌ایم.

۲. وزن‌های مشتق

وزن مشتق به وزنی گفته می‌شود که با یک قاعدة زایا از وزنی اصلی اشتراق می‌یابد و وزن مستقل و جدیدی را پیدا می‌آورد. نجفی ضمن بحث درباره راه‌های گسترش وزن‌های شعر فارسی به دو

۱. از این پس برای ارجاع به مجموعه اشعار سیمین بهبهانی (۱۳۸۸) دیگر تاریخ را ذکر نمی‌کنیم و فقط شماره صفحه می‌دهیم.

قاعدهٔ زایا برای استتفاق وزن‌های مشتق و جدید اشاره می‌کند: یکی قاعدةٔ تفرع وزن یا سیمینه، و دیگری استفاده از اختیار تسکین در ایجاد وزن‌های دوری (نجفی: ۱۳۹۷: ۳۰-۳۱) که در زیر به اختصار درباره آنها سخن می‌گوییم.

۱.۲. قاعدةٔ تفرع وزن یا سیمینه

طبق قاعدةٔ تفرع وزن در تمام وزن‌هایی که با «فعول» (۰ - ۰) آغاز می‌شوند، می‌توان با تبدیل کمیت کوتاه آغازین به کمیت بلند، «فعول» را تبدیل به «مفهول» (- ۰) کرد و به وزن جدید مختلف‌الارکانی رسید که محلش به سادگی در طبقه‌بندی نجفی و قهرمانی مقبل قابل تعیین است. با توجه به این که در اینجا یک کمیت کوتاه به نخستین کمیت رکن نخست اضافه می‌شود، می‌توان قاعدةٔ سیمینه را نوعی قاعدةٔ افزایشی دانست (دربارهٔ قواعد افزایش در بخش ۲. بیشتر بحث خواهیم کرد). گفتنی است که این قاعدةٔ تفرع وزن در شعر فارسی سابقه داشته و شواهدی هم برای آن وجود دارد، اما از آنجاکه بیشترین کاربرد این قاعدةٔ امروزه در شعر سیمین بهبهانی مشاهده شده است، قهرمانی مقبل آن را قاعدةٔ «سیمینه» (بر وزن مفعول = ۰ - ۰) نامیده و ما هم از این پس از همین اصطلاح استفاده می‌کنیم و مانند همو این وزن‌ها را با علامت ستاره‌ای در آغاز وزن مشخص می‌سازیم (قهرمانی مقبل ۱۴۰۰). مثلاً با تبدیل وزن متناوب‌الارکان «مفاعلن فعلان مف»، به وزن سیمینه و مختلف‌الارکان (*مفاعلن فعلان مف) می‌رسیم.^۱ توجه شود که قاعدةٔ سیمینه از زمرة اختیارات شاعری نیست، زیرا وزن سیمینه وزن مستقل و جدیدی است که هرگز با وزن پایه خودش در یک قطعهٔ شعر ظاهر نمی‌شود. به دو نمونه از همین وزن توجه شود:

۶۵۲

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

آهی پرده نگاهم کرد
با سرمه سوده جادویی (سیمین بهبهانی، در: بخارا، ۱۳۸۵، ش ۵۰)

تیر از کمان به من اندازد
عشق از کمین چو برون تازد (اوحدی)

۱. کوشیده‌ایم تا به تقلید از عروض عرب، رکن‌های به اصطلاح مزاحف را به گونه‌ای نام‌گذاری کنیم که ارتباطشان با رکن‌های پایه یا اصلی به روشنی آشکار باشد. مثلاً شکل سیمینه رکن «مفاعلن» را نه «مستفعلن» بلکه «مافاعلن» نامیده‌ایم، یا صورت مقلوب «مفتعلن» را نه «فاعلات» بلکه «مُفتَلِّنْ» نامیده‌ایم وغیره (رک. قهرمانی مقبل ۱۳۹۰)

۲۰۲. قاعدة تسکین

ابوالحسن نجفی به درستی نشان داده است که طبق قاعدة تسکین می‌توان بسیاری از وزن‌های غیر دوری را از طریق جایگزین کردن یک کمیت بلند به جای دو کمیت کوتاه، مبدل به وزن‌های دوری جدیدی کرد (نجفی ۱۳۹۷: ۱۵-۲۳)؛ این قبیل وزن‌های دوری جدید و مستقل را وزن‌های تسکینی می‌نامیم، و با علامت - نمایش می‌دهیم؛ مثلاً وزن غیردوری «مفاعلن مفتولن مفاعولن مفتولن» با استفاده از این قاعده مبدل به وزن دوری و جدید «-)مفاعولن مفتولن// مفاعولن مفتولن» می‌شود:

دو زن دو مشعل در دست // به جستجوی نورند
ولیک در تاریکی // همیشه سرگردانند (سیمین بهبهانی)^۱

یا وزن غیردوری «مفتولن مفتولن مفتولن» با استفاده از این قاعده مبدل به وزن دوری و جدید «-)مفتولن مفتولن// می‌شود:

۶۵۳

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
۱۴۰۴ | فروردین و اردیبهشت

قربانی بر سر خاک // تابی خورد از سر درد

جویی خون... بعد سقوط // خاموشی... بعد نفیر (سیمین بهبهانی ۱۰۸۷)

۳. وزن‌های فرعی

وزن‌های فرعی به وزن‌های بسیار کم کاربردی اطلاق می‌شود که فقط با اعمال یک قاعدة غیرزاو و فقط با تغییری نهایتاً به اندازه یک مورا (یک کمیت کوتاه) و نه بیشتر، از وزن‌های اصلی مشتق می‌شوند و وزنی مختلف‌الارکان را بوجود می‌آورند. قواعدی که باعث ایجاد وزن‌های فرعی می‌شوند عبارتند از قواعد کاهش، افزایش و قلب. در اینجا پس از معرفی قواعد فوق اشاره‌ای نیز به دو اختیار قلب و اضمamar می‌کنیم که قرن‌هاست منسوخ شده و امروزه دیگر کاربردی در شعر فارسی ندارند.

۱۰۳. قاعدة کاهش

قاعده کاهشی باعث حذف یک مورا یا یک کمیت کوتاه از وزن اصلی می‌شود و وزنی کاهشی را پدید می‌آورد. وزن‌های کاهشی که آنها را با علامت «-) نمایش می‌دهیم، یک کمیت کوتاه کمتر

۱. ارجاعات فاقد تاریخ و شماره صفحه، تماماً برگرفته از نجفی (۱۳۹۷) است.

از وزن اصلی دارند، مثلاً وزن دوری «-مفاعلن مفاعُل مف» (۰ - ۰ - ۰ - ۰ / ۰ - ۰) وزنی فرعی و کاهشی است که در رکن دوم خودش یک کمیت کوتاه کمتر از وزن اصلی، یعنی «مفاعُل مفاعُل مف» (۰ - ۰ - ۰ / ۰ - ۰ - ۰ / ۰) دارد:

تنی سیاه را زده‌اند// محافظان به بوم و بری
ستم فتاده است و کسان// شنیده‌اند از آن خبری (سیمین بهبهانی ۱۱۰)

همان طور که گفتیم قواعد فرعی قواعدی موردی یا غیرزاپای هستند، یعنی نباید انتظار داشت که همواره، یا حتی تحت شرایط خاصی، بتوان با حذف یک کمیت کوتاه از هر وزن، به وزن جدیدی رسید.

۲.۳. قاعدة افزایش

قاعدة افزایشی قاعده‌ای موردی و غیرزاپای است که یک مورا یا یک کمیت کوتاه را به وزن اصلی اضافه می‌کند و وزنی جدیدی را پدید می‌آورد. مثلاً وزن «+فعولن فعولن فاعو» (۰ + - ۰ / ۰ - ۰ / ۰ - ۰) وزنی فرعی است که در رکن پایانی خودش یک کمیت کوتاه بیشتر از وزن اصلی «فعولن فعولن فعال» (۰ - ۰ - ۰ - ۰ / ۰ - ۰) دارد:

کسم در سخن کارفومایی نیست
به بخشندگی همت افزایی نیست (غالب دهلوی)

۶۵۴

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۳.۳. قاعدة قلب

قاعدة قلب جای دو کمیت را در وزن اصلی عوض می‌کند و وزن فرعی جدیدی را شکل می‌دهد؛ این قبیل وزن‌ها را با علامت «=» نمایش می‌دهیم. مثلاً وزن «=مَفَالْنِعْ مَفْتَلُنْ مَف» (۰ - ۰ - ۰ / ۰ - ۰ / ۰ - ۰) وزنی فرعی است که بر اثر جابه‌جا شدن دو کمیت در رکن نخست وزن «مفاعُل مفتَلُن مف» (۰ - ۰ - ۰ / ۰ - ۰ - ۰ / ۰) از وزن اخیر مشتق شده است:

سلامی ز عقدہ عشقی// پر از بیدمشک بهاری
فرستم به سوی دیارت// به سودای عقدہ‌گشایی (سیمین بهبهانی ۹۱۵)

در پایان باید توجه داشت که گاهی یک وزن فرعی را به طرق مختلف، مثلاً هم از طریق کاهش و هم از طریق افزایش، می‌توان از وزنی اصلی منشعب کرد و درون نظام طبقه‌بندی گنجاند. ما در

این موارد خاص کوشیده‌ایم تا در هریک از این موارد اقلاد و امکان مختلف را پیشنهاد کنیم، اما تأکید می‌کنیم که گنجاندن وزن‌های فرعی در درون نظام طبقه‌بندی نجفی، و خاصه گنجاندن این موارد اخیر در این دستگاه، بیشتر از مقوله ابداع و اختراع است تا از مقوله کشف!

۴. اختیارهای منسوخ

امروزه در وزن عروضی شعر فارسی دو اختیار بسیار رایج وجود دارد که عبارتند از اختیار «فاعلان» به جای «فعالتن» در آغاز مصraع است، و اختیار تسکین (آوردن یک کمیت بلند به جای دو کمیت کوتاه در میان مصراع) (رک. ۴۱:۱۳۹۵-۴۷)، اما باید دانست که تعداد این اختیارات در قدیم بیشتر از این مقدار بوده است. در اینجا به اختصار به دو تا از این اختیارهای منسوخ شعر فارسی اشاره می‌کنیم: اختیار قلب، و اختیار اضمamar.

۴.۱. اختیار قلب

۶۵۵

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۶

توجه شود که در مثال مربوط به «قاعدۀ قلب» (۳. ۳) از قلب برای تغییر وزنی به وزن دیگر استفاده شده است، اما در چند قرن آغازین شعر فارسی، از اختیار قلب «مفتعلن» به جای «مفاعلن» و بالعکس نیز استفاده می‌شده است که امروزه منسوخ شده است. مثلاً در ایات زیر از جمال الدین عبدالرزاق شاهد استفاده مکرر از این اختیار هستیم:

کیست که پیغام من // به شهر شروان برد
یک سخن از من بدان // مرد سخنداز برد
گوید خاقانیا // اینهمه ناموس چیست
نه هرکه دو بیت گفت // لقب ز خاقان برد
دعوی کردی که نیست // مثل من اندر جهان
که لفظ من گوی نطق // ز قیس و سحبان برد...

۴.۲. اختیار اضمamar

اضمار اختیار شاعری دیگری است که آن نیز امروزه منسوخ شده است. طبق این اختیار شاعر مجاز بود به جای دو کمیت کوتاه آغازین، از یک کمیت بلند استفاده کند. توجه شود که اختیار اضمamar باعث تغییر وزن نمی‌شده و فقط امکانی را برای تنوع بخشیدن به وزنی واحد در اختیار

شاعر می‌گذاشته است. مثلاً شاعر مجاز بوده به جای وزن «فعلاتن فعلاطن فعلن» (۰ ۰ - - / ۰ ۰ ۰ - - / ۰ ۰ ۰ -)، از وزن «مفعلن فعلاتن فعلن» هم استفاده کند (- - / ۰ ۰ ۰ - - / ۰ ۰ ۰ -). در مصراع نخست بیت زیر شاهد استفاده از اختیار اضمamar هستیم:

رزبان تاختنی کرد به شهر از رز خویش
در رز بست به زنجیر و به قفل از پس و پیش (منوچهری)

۵. وزن‌های دوری

سیمین بهبهانی تا قبل از انتشار مجموعه خطی ز سرعت و از آتش (۱۳۶۰)، معمولاً از وزن‌های رایج و پرکاربرد شعر فارسی در اشعار خود استفاده می‌کرد، اما با انتشار این مجموعه دورهٔ جدیدی در زندگی شعری وی شروع شد که وجه بارز آن استفاده از وزن‌های کم‌کاربرد و مشتق و فرعی گوناگونی بود که غالباً نیز دوری بودند. وزن دوری دارای ویژگی‌های خاصی است که به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم: اول این‌که هر مصراع وزن دوری مرکب از دو پارهٔ مستقل و هم‌وزن است چنان‌که گویی هر مصراع خود بیت کوچکی است مرکب از دو مصراع دیگر. استقلال این پاره‌ها به حدی است که می‌توان جای آنها را تغییر داد بی‌آن‌که از حیث وزنی یا حتی از حیث نحوی خلی در وزن یا ساخت مصراع پدید آید؛ دوم این‌که قواعد حاکم بر پایان مصراع بر پایان پاره نیز صادق است، یعنی تمایز کمیت‌های کوتاه و بلند و کشیده در پایان پاره‌ها خنثی و هر سه کمیت مبدل به کمیتی بلند می‌شود. توجه شود که نیامدن هجای کشیده در پایان پاره، لزوماً به معنای غیردوری بودن وزن نیست، اما حضور هجای کشیده در پایان پاره و بلند محسوب شدن آن، قطعاً به معنای دوری بودن وزن است؛ سوم این‌که معمولاً یکی از پاره‌های مصراع، و غالباً پارهٔ پایانی از حیث وزنی رکن ناقصی است. برای نمایش وزن‌های دوری از علامت // در بین دو پارهٔ هر مصراع استفاده می‌کنیم؛ تمام این ویژگی‌ها در بیت زیر به وزن دوری «مفعلن مفعول مف» // قابل مشاهده است:

صورتگر چیره‌دست // نقشی پدیدار کرد
وین هرچه هستی که هست // وارونه انگار کرد (سیمین بهبهانی ۵۵۶)

شاید این تصور پیش بیاید که باید هر مصراع بیت فوق را بیتی مستقل در نظر گرفت و آن را به شکل زیر ضبط کرد:

۶۵۶

آینهٔ پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

صورتگر چیره دست
نقشی پدیدار کرد
وین هرچه هستی که هست
وارونه انگار کرد

اما این شعر غزل است، و براساس نوع قافیه وردیف در کل غزل («سارکرد»)، و نیز براساس شیوه ضبط اشعار توسط خود سیمین، باید این شعر را دوری دانست و در مقام شعری دوری بررسی و توصیف کرد.

یادربیت زیر نیز به وزن دوری و تسکینی «متفاعلن مُتْفَاعِلَن» شاهد تمام ویژگی‌های وزن دوری هستیم:

چه دروغ می‌گویی // به شگفت می‌مانم
چه فریب می‌سازی // چه کنم نمی‌دانم (سیمین بهبهانی)

سیمین خود وزن هر پاره این شعر را به صورت «فعال^۱ مفعولن» تقطیع کرده است که آن نیز دارای تمام مشخصات وزن دوری است (بهبهانی ۵۰۶). جالب است که سیمین درباره دوری بودن این وزن چنین تصریح کرده است: «تکرار دوباره این پاره وزنی، یک مصراع و تکرار دو مصراع، یک بیت می‌سازد که اصطلاحاً چهارپاره نامیده می‌شود. به این صورت:

چه دروغ می‌گویی! به شگفت می‌مانم
چه فریب می‌سازی؟ چه کنم! نمی‌دانم...» (سیمین بهبهانی ۵۰۶)

وی حتی در بخش «افاعیل اوزان تازه» در دیوانش، فقط وزن پاره‌ها (نیم مصراع‌ها) را داده و تصریح کرده است که: «یادآور می‌شوم که آخرین هجای همهٔ پاره‌های وزنی برابر معمول گذشتگان و امروزیان می‌تواند کوتاه یا کشیده باشد؛ برای نمونه "فع" یا "فاع"» (سیمین بهبهانی ۱۱۷۷؛ برای اطلاعات بیشتر درباره وزن‌های دوری رک. نجفی ۱۳۹۳؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۰).

باید توجه داشت که رکن ناقص در وزن دوری نباید لزوماً کوچک‌تر از رکن کامل باشد، بلکه گاه ممکن است حتی کمیتی هم اضافه داشته باشد! مثلاً وزن شعر زیر «مفتعلن فاعلان^۲» است که طبق دایره نجفی (۱۳۹۵: ۱۶۴) بدل از وزن «مفتعلن فاعلات^۳» است^۱:

۱. توجه شود که در دایره نجفی وزن «مفتعلن فاعلات^۳...» وجود دارد (رک. نجفی ۱۳۹۵: ۱۶۵، شماره ۴)، اما وزن «مفتعلن فاعل^۲ن مفتعلن فاعل^۲ن...» وجود ندارد.

کولی آواره تنهاست // با مه و زنگار، بی تو
خسته زابهام و اندوه // مانده به ناچار بی تو (سیمین بهبهانی ۶۴۵)

یعنی رکن کامل «فاعلات» در پایان هر پاره در این وزن، مبدل به رکن ناقص اما بلندتر «فاعلاتن» می‌شود، زیرا کمیت‌های کوتاه در پایان هر مصراج و هر پاره، همواره مبدل به کمیتی بلند می‌شود. عیناً همین وضعیت را در شاهد زیر به وزن «مفاعلن مفاعیلن» // (بدل از وزن «مفاعلن مفاعیل») نیز مشاهده می‌کنیم^۱:

چه گرم دوست می‌دارم // نوازش نگاهش را
گریز شرمگینش را // گذار گاهگاهش را (سیمین بهبهانی ۴۱۵)

در پایان این بخش بد نیست اگر به دو وزن دوری بسیار خاص در شعر سیمین توجه کنیم که آنها را به ترتیب «وزن‌های دوری نامساوی» و «وزن‌های دوری نامساوی پژواکی» نامیده‌ایم (این وزن‌ها را وزن‌های مسترزادگونه نیز نامیده‌اند (مثلًاً سلمانی و حدادی ۱۳۹۷)). در وزن‌های دوری نامساوی، همانطور که از نامشان پیداست، هر مصراج از دو پاره نامساوی اما هم وزن تشکیل می‌شود. مثلًاً شاهد زیر به وزن دوری و سیمینه «*مفاعلن فعلاتن//مفاعلن فعلن» (بدل از وزن «مفاعلن فعلاتن//مفاعیلن فعلن»)، یک وزن دوری نامساوی است:

۶۵۸

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

با نخل‌های سترون // با تاک‌های عقیم
جز غمگنانه چه گوید // نجوای نور و نسیم (سیمین بهبهانی ۱۰۶۳).

چنان‌که مشاهده می‌شود وزن پاره نخست و پاره دوم در هر مصراج بیت فوق یکسان است و فقط پاره نخست («*مفاعیلن فعلاتن») اندکی بلندتر از پاره دوم («*مفاعیلن فعلن») است.

در وزن‌های دوری نامساوی پژواکی، پاره نخست اندکی بلندتر از پاره دوم است اما دو پاره دقیقاً هم وزن نیستند، بلکه پاره کوتاه‌تر دوم از حیث وزنی، تکرار بخشی از پایان پاره بلندتر نخست است. مثلًاً در شاهد زیر به وزن «مُستفعلن مفاعِل مُس» // «مفاعِل مُس»، پاره نخست («مُستفعلن مفاعِل مُس») پژواکی از بخش پایانی پاره نخست («مفاعِل مُس») است:

۱. در دایره نجفی وزن «مفاعیلن مفاعیل مفاعیلن مفاعیل...» وجود دارد (رک. نجفی ۱۳۹۵: ۱۶۵، شماره ۱۵)، اما وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل...» وجود ندارد.

نیلوفری چو حلقة دود // کبود کبود

آوازی از کرانه رود / صدای که بود (سیمین بهبهانی ۹۵۶)

۶. توضیحی درباره طبقه‌بندی وزن‌ها

قهرمانی مقبل با تکیه بر دستاوردهای عظیم نجفی در کار قواعد و شیوه تقطیع وزن شعر فارسی، و نیز با استفاده از مدل طبقه‌بندی الول ساتن (۱۹۷۶) و اصلاح آن، توانست کامل‌ترین و در عین حال ساده‌ترین طبقه‌بندی اوزان شعر فارسی را طراحی کند (رک. قهرمانی مقبل ۲۵۱-۱۴۱: ۱۳۹۷). حال بر اساس انگاره طبقه‌بندی او می‌توان تمام وزن‌های اصلی و حتی مشتق شعر فارسی را چنان بدقت طبقه‌بندی و نام‌گذاری کرد که وزن‌های مشابه کارهای قرار بگیرند و هر وزن فقط با سه رقم نام‌گذاری شود. شکل کلی این انگاره را در جدول طبقه‌بندی وزن‌ها در زیر نمایش داده‌ایم:

...	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					...	-	-	۰	۱ فعولن...
					...	-	۰*	۰	۲ فعلن...
				...	-	-	-	۰	۳ مقاعیلن...
				...	-	-	۰	۰	۴ فعلاتن
				...	-	۰	-	۰*	۵ مقاعلن...
			...	-	-	-	-	۰	۶ مقاعلاتن...
			...	-	-	-	۰	۰	۷ فعلیاتن...
			...	-	-	۰	-	۰*	۸ مقاعلاتن...
		...	-	۰*	-	-	۰*	۰	۹ متفاعلن...
...	-	۰*	-	۰*	-	-	۰	۰	۱۰ فعلاتن مقاعلن...
...	-	-	۰	-	۰*	-	۰*	۰	۱۱ فعلات فاعلاتن...

این انگاره مرکب از ۱۱ رشتۀ وزنی یا بحر است که تکرار می‌شوند و از هر کدام از آنها، چندین خانواده وزنی منشعب می‌شود. ۱۱ رشتۀ وزنی یا بحر در این انگاره عبارتند از (۱: فعلن...، ۲: فعلن...، ۳: مقاعیلن...، ۴: فعلاتن، ۵: مقاعلن...، ۶: مقاعلاتن...، ۷: فعلیاتن...، ۸: مقاعلاتن...، ۹: متفاعلن...، ۱۰: فعلاتن مقاعلن...، ۱۱: فعلات فاعلاتن...).

۱. در این بازنمایی‌ها، سه نقطه (...) علامت تکرار بحر است، مثلاً «فعولن...» یعنی «فعولن فعلن فعلن فعلن»، یا «فاعلن» یعنی «فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن» وغیره.

فاعلن...، ۳) مفاعیلن...، ۴) فاعلاتن...، ۵) مفاعلن...، ۶) مفاعیلاتن...، ۷) فعلیاتن...، ۸) مفاعلاتن...، ۹) متفاعلن...، ۱۰) فعلانُ مفاعلن...، و ۱۱) فعلاثُ فاعلاتن...^۱ این ۱۱ بحر در جدول طبقه‌بندی وزن‌های فارسی بر روی محور عمودی نمایش داده می‌شود. هر بحر شامل چندین خانواده وزنی است، و بسته به این که هر خانواده از روی کدام هجای بحر شروع می‌شود، به خانواده‌های وزنی متفاوتی می‌توان رسید. مثلاً بسته به این که از روی کدامیک از چهار هجای بحر «مفاعیلن...» شروع به اشتراق خانواده‌های وزنی بکنیم، به چهار خانواده وزنی متفاوت زیر می‌رسیم. برای نام‌گذاری هر خانواده وزنی کافی است تا فقط شماره بحر (از ۱ تا ۱۱)، و شماره نقطه آغازین خانواده وزنی (از ۱ تا ۴) را مشخص کنیم

- ۱۰.۳. مفاعیلن...: ۷ - - - / ۷ - - - / ۷ - - - ...
۲۰.۳. مفعولاتُ...: ۷ - - - / ۷ - - - / ۷ - - - ...
۳۰.۳. مستفعلن: ۷ - - - / ۷ - - - / ۷ - - - ...
۴۰.۴. فاعلاتن...: ۷ - - - / ۷ - - - / ۷ - - - ...

حال می‌گوییم هر خانواده وزنی خود مشتمل بر چند وزن است، و برای تعیین نام هر وزن نیز کافی است علاوه بر شماره بحر و خانواده وزنی، شماره هجای پایانی وزن را نیز تعیین کنیم. گرچه وزن‌های بلندتر از چهار رکن هم وجود دارد، فرض را مطابق مرسوم بر این گذاشته‌ایم که هر خانواده وزنی نهایتاً از چهار رکن تشکیل می‌شود و وزن‌های هر خانواده از همین چهار رکن اشتراق می‌یابند. مثلاً به اشتراق تعدادی از وزن‌های متعلق به خانواده وزنی «مفاعیلن» (۱۰.۳) توجه شود:

۶۶

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

- ۱۶.۱.۳. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۱۵.۱.۳. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۱۴.۱.۳. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۱۳.۱.۳. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
...

۱. انگاره وزنی قهرمانی مقبل مشتمل بر ۱۲ رشته وزنی است که رشته دوازدهم آن مربوط به وزن‌های هجایی یا ایقاعی است. از آنجاکه وزن ایقاعی وزن مستقلی است که ربطی به وزن عروضی یا کمی ندارد، ما رشته دوازدهم را که صرفاً مشتمل بر هجاهای سنگین است از این انگاره حذف کرده‌ایم (برای اطلاعات بیشتر درباره انواع وزن‌های هجایی و نحوه تقطیع آنها رجوع شود به وحیدیان ۱۳۶۳؛ ۱۳۷۰؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۱ الف).

یا به استقاق تعدادی از وزن‌های متعلق به خانواده وزنی «مستفعلن» (۳.۳) توجه شود:

- ۱۸.۳. مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۱۷.۳. مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۱۶.۳. مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۱۵.۳. مستفعلن مستفعلن مستفعلن
...

حال می‌توانیم هر وزن از صدها وزن شعر فارسی را فقط با سه رقم نامگذاری کنیم و ارتباط آن را با وزن‌های دیگر نمایش دهیم؛ در این حالت رقم اول مبین بحر (در محور عمودی جدول وزن‌ها)، رقم دوم مبین خانواده وزنی (در محور افقی) و رقم سوم مبین وزن مورد نظر (باز هم در محور افقی) است.

در بخش بعد تمام وزن‌های کم‌کاربرد و مشتق و فرعی سیمین بهبهانی و نیز شواهدی از این وزن‌ها را از برخی شاعران دیگر استخراج و آنها را براساس جدول طبقه‌بندی وزن‌ها فهرست و نامگذاری کرده‌ایم. پیش از ارائه فهرست ذکر توضیحاتی درباره آن ضروری است:

در این فهرست، وزن‌های اصلی کوتاهی را که در بیش از یک طبقه اصلی قرار می‌گیرند در تمام طبقات مربوطه گنجانده‌ایم و با استفاده از نشانه «یا»: به هم ارجاع داده‌ایم. مثلاً بیت زیر دارای دو تقطیع متفاوت «مستفعلن مستف//» (۳.۳) و «مستفعلن مس//» (۴.۶) است که هر دو هم اصلی هستند و ما هم آنها را در هر دو طبقه آورده‌ایم:

آه این چه پیوند است // ضرب رقم در هیچ
حاصل چه خواهم داشت // یک هیچ و دیگر هیچ (سیمین بهبهانی ۵۴۰)

اما در مورد وزن‌هایی که در دو یا هر سه طبقه اصلی و مشتق و فرعی قرار می‌گیرند، طبقه اصلی را مرجح بر طبقه مشتق، و طبقه مشتق را مرجح بر طبقه فرعی دانسته‌ایم، یعنی اگر وزنی هم در طبقه اصلی بگنجد و هم مشتق، آن را فقط در طبقه اصلی آورده‌ایم، و اگر وزنی هم در طبقه مشتق بگنجد و هم طبقه فرعی، آن را فقط در طبقه مشتق آورده‌ایم. مثلاً همان وزن «مستفعلن مستف//» (یا: «مستفعلن مس//») را که در بالا ذکر شد، می‌توان به صورت وزن سیمینه «*مافاعلن مفتح» (بدل از مافاعلن مفتح) نیز تقطیع کرد، اما چون وزن اصلی را مرجح بر وزن مشتق دانسته‌ایم، آن را فقط در مقام وزنی اصلی درنظر گرفته و دیگر ذیل طبقه سیمینه نیاورده‌ایم.

سیمین به برخی از وزن‌های زیر اشعار بسیاری سروده و به برخی دیگر فقط یک یا دو شعر. ما در مقام شاهد فقط بیت نخست هر شعر را آورده‌ایم و در مواردی هم که تعداد شواهد زیاد بوده، بیش از سه یا چهار شاهد ذکر نکرده‌ایم. در این فهرست کوشیده‌ایم تا بر اساس شواهد مندرج در آثار نجفی (۱۳۹۷) و پناهی (۱۳۹۹-۱۳۹۵) سابقه هر وزن را نمایش دهیم. توجه شود که شواهدی که فقط دارای نام شاعر هستند از نجفی (۱۳۹۷) نقل شده‌اند، و در مواردی که نجفی خود نام شاعر را مشخص نکرده، مشخصات و شماره صفحه کتاب وی را آورده‌ایم. این فهرست حکم سرمشقی را دارد که از آن می‌توان برای طبقه‌بندی و نام‌گذاری وزن‌های گوناگون شعر فارسی استفاده کرد.

۷. فهرست وزن‌های کم‌کاربرد و مشتق و فرعی در اشعار سیمین بهبهانی

//۱۰.۱. فعولن فعولن فع//

ب--/ب--//(شبیه طویل عربی)

نشاط صفاتی// چنان کرده خرسندت

که از خود نمی‌پرسی// کجا می‌فرستندت (سیمین بهبهانی ۱۱۰۲)

دلت در سلامت بود// سلامت در آغوشم

از او گرم و روشن بود// شب سرد و خاموشم (سیمین بهبهانی ۸۵۱)

من آن روز می‌گفتم// که: «از مار می‌ترسم»

و تأکید می‌کردم// که: «بسیار می‌ترسم» (سیمین بهبهانی)

به کویت شبی خفتم// چو مویت برآشتم

ز دیده گهر سفتم// غم دل به تو گفتم (فرصت)

من از مادری زادم// که پارم پدر بود او

شدم خاک آن پایی// کزین پیش سر بود او (اوحدی)

۶۶۲

آینه پژوهش ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

۱۴۴ فروردین و اردیبهشت

//۸.۱.۱. فعولن فعولن فعل//

ب--/ب--//(

ز شب خستگان یاد کن// شبی آرمیدی اگر

سلامی هم از مارسان// به صبحی رسیدی اگر (سیمین بهبهانی)

سفر مرد را آگهی// دهد از بدی و بهی

ببخشد و را فرهی// چه خسرو بود چه رهی (خانلری)

۱۰.۱+ // . فاعولن فعال فعل // (افزایشی در رکن نخست، بدل از «فعولن فعال فعل»)

// - / - / - / -

یا: ۲۰.۳- // . مفعولات مفعولتن // (کاهشی در رکن دوم، بدل از «مفعولات مفعولاتن»)

یا: ۳۰.۳= // . مُسْتَفْلِنْعِ مُسْتَفْلِعِ // (قلب در رکن اول، بدل از «مستفعلن مستفعلن»)

یا ۴۰.۳- // . مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْلِعِ // (افزایشی در رکن اول، بدل از: «مست فعل مست فعل»)

می سو زم ز داغ جگر // می نالم ز درد دلم

می غلتم ز شب تا سحر // خون گریم ز آندوه و غم (به نقل از نجفی، ۱۳۹۷، ص ۴۵)

۱۰.۱- // . فعالن فعالن فعالن فعال //

ب - / - / - / - / -

چه می شد اگر می توانستم // جهان را به نیکی بیارایم

زمین را پر از دوستی سازم // زمان را ز دشمن پیرایم (سیمین بهبهانی)

۶۶۳

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال | شماره ۳۶

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰.۱- . - فعالن فعالن فعال فعال (کاهشی در رکن سوم، بدل از «فعالن فعالن فعال فعال»)

ب - / - / - / - / -

رُخت دل بدزد د رها شود

دلم بر تو زین بدگمان شود (اوحدی)

سرم پیر شد ور رسم به تو

ز سر بار دیگر جوان شوم (اوحدی)

که از تیرگی های آب و گل

پدید آورد صورتی چنین (به نقل از پناهی، ج ۳، ص ۴۶)

۱۱.۱= . عوقُلُن فعالن فعالن فعال (قلب در رکن نخست، بدل از «فعالن فعالن فعالن فعال»)

- / - / - / - / -

بخت آن ندارم کند یاد من

حال من که گوید به صیاد من (به نقل از پناهی، ج ۴، ص ۷۰)

از نگاه یاران ندا می رسد

دوهه رهایی فرامی رسد (فریدون همراء)

= ۱۱.۱.۱ = فعولن فعولن فعوف لُنعاو (قلب در کن سه و چهار، بدل از «فعولن فعولن
فعولن فعل»)

- - / - / - / - / -

نسیم سحر بر چمن گذر کن
زم من بلبل خسته را خبر کن
بگو آشیان راز دیده تر کن
ز بیداد گل آه و ناله سر کن (ملک الشعرا بهار)

+ ۱۱.۱.۱+ = فعولن فعولن فاعل (افزايشی در کن چهار، بدل از «فعولن فعولن فعولن
فعل»)

- - / - / - / - / -

کسم در سخن کارفرمایی نیست
به بخشندگی همت افزایی نیست (غالب دهلوی)

۶۶۴

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

۱. ۲۰.۲ // مفعول مفعول //

- / - / - / -

یا: ۷.۳.۳ // مستفعلن مس //
بر من گذشتی // سر بر نکردی
از عشق گفتم // باور نکردی (سیمین بهبهانی)

۱. ۲۰.۱ // مفعول مفعول //

// - / -

یا: ۸.۳.۳ // مستفعلن مستف //
یا: ۹.۴.۶ // مستفعلاتن مس //
آه این چه پیوند است // ضرب رقم در هیچ
حاصل چه خواهم داشت // یک هیچ و دیگر هیچ (سیمین بهبهانی ۵۴۰)

۱. این وزن را به شکل «مستفعلاتن //» نیز می‌توان تقطیع کرد، اما از آنجاکه رکن‌های کامل معمولاً تن به وزن دوری نمی‌دهند، این تقطیع را نیاورده‌ایم و در موارد مشابه نیز چنین عمل کرده‌ایم.

او قلب تاریخ است// محتاج دفتر نیست

او روح ایمان است// جز عین باور نیست (سیمین بهبهانی ۵۹۳)

ای بسته تودرتو// برگرد من دیوار

یک روز خواهم رست// از این پیازین دار (سیمین بهبهانی ۵۲۴)

بی گردش چشمت// عیشم فراهم نیست

رنج پیاپی هست// رطل دمادم نیست (محمد قهرمان)

۱۰.۲.۱ مفعول مفعول مف//

//---/---

در دیده تصویر کن// سیمای مرداب را

با اشک، تطهیر کن// آلایش آب را (سیمین بهبهانی ۵۷۵)

صورتگر چیره دست// نقشی پدیدار کرد

وین هرچه هستی که هست// وارونه انگار کرد (سیمین بهبهانی ۵۵۶)

زنجدنت از چه بود// سر در نمی آورم

هذیان و سرسام را// توفاندهای در سرم (سیمین بهبهانی ۹۸۹)

از عشق آن بی وفا// افتاده ام در بلا

هرگز نگوید مرا// برخیز و یک دم بیا (معیارالاشعار)

۶۶۵

آینهٔ پژوهش | ۲۱۱

سال | شماره ۳۶

۱۴۰۴ | فروردین و اردیبهشت

۱۰.۲.۱ مفعول مفعول مفعول //

//---/---

تردید تردید تردید// در گرگ و میش سحرگاه

چون پرتوی زرد و بیمار// لغزیده بر خاک درگاه (سیمین بهبهانی ۵۹۹)

کولی دواری ز گرداب// گردش کنان در سرت ریخت

وز آذرخشی، تب و تاب// در هر رگ از پیکر ریخت (سیمین بهبهانی ۶۴۹)

بنویس، بنویس، بنویس!// اسطورهٔ پایداری

تاریخ، ای فصل روشن!// زین روزگاران تاری (سیمین بهبهانی ۶۱۸)

گفتند «یا با خموشی// خوگ شود یا بمیرد»

اما به خواندن قناری// محشر کند تا بمیرد (سیمین بهبهانی ۴۰۶)

شلوار تاخورده دارد// مردی که یک پا ندارد

خشم است و آتش نگاهش // یعنی: تماشا ندارد (سیمین بهبهانی ۸۶۹)
دل بردی از من به یغما // ای ترک غارتگر من
دیدی چه آوردی ای دوست // از دست دل بر سر من (صفای اصفهانی)

۲۰.۱. مفعول مفعول مفعول // مفعول مفعولن (دوری نامساوی، یا مستزادگونه)

- - - / - - / - - / -
ای کوه، ای بند ضحاک // آیا به یادت هست
زان چیره دستان چالاک // چرمین علم در دست؟ (سیمین بهبهانی ۹۵۸)

۱۱.۲. مفعول مفعول مَفْلِعُوْمَف (قلب در رکن سوم، بدل از «مفعول مفعول مفعول مف»)

- - - / - - / -
بیرون شد از احتراق بهرام
وآورد زی شاه ماه پیغام (به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۵۸)
گشتم به درد از تو من نگارا
آن به که یک ره کنی مدارا (به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۵۸)
مجلس بساز ای بهار پدرام
واندر فکن می به یک منی جام (فرخی سیستانی)
همزنگ رخسار خویش گردان
جام بلورینه از می خام (فرخی سیستانی)

۶۶۶

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

۱۲.۲. مفعول مفعول مَفْعُومَف لُعو (قلب در رکن سه و چهار، بدل از «مفعول مفعول مفعول مفعول»)

- - - / - - / -
از مردمان دل مخواه ای سعتری
چون دل ببردی مکن این داوری (المعجم، به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۵۷)
ای سعتری بیهده تاکی مرا

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره انواع اوزان دوری و مخصوصاً اوزان دوری نامساوی رجوع شود به طبیب‌زاده (۱۴۰۰)

داری همی از جفا اندر عنا (المعجم، به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ۵۷)
بر مستمندی مکن چندین ستم
کو بربنیارد زد از عشق تو دم (معیارالاشعار، به نقل از پناهی، ۱۳۹۵-۱۳۹۹ ج ۵، ص ۱۵۶)

=۲۰.۱۳. = مفعول مفعول مفعومَف لَعُولُن (قلب در رکن سه و چهار، بدل از «مفعول
مفعول مفعول مفعولن»)

-- / -- / -- / --
ای لعبتی سروقد سیم ساعد
شاید اگر با رهی باشی مساعد (المعجم، به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ۵۶)

۱. فاعلن فاعل //

- / - / -

یا: ۴.۳. // ۸. فاعلاتن فا /

آسمان سرخ است // که کشانش نیز
ماه و مریخش // روشنانش نیز (سیمین بهبهانی ۵۹۷)
جان ز من بستان // دل به بر خون کن
این چنین باشد // دردم افزون کن (فیض)
 بشنوای فرزند // تا از این دفتر
خوانمت از بر // راز تیموری (ادیب الممالک فراهانی)

۱. فاعلن فاعل فا^۱ //

- / - / -

خب که این طور باشد // من که حرفی ندارم
می روم گرچه عمری // پشت سر می گذارم (سیمین بهبهانی ۱۰۸۵)

۱. این وزن رامی توان «فاعلاتن مفاعل //» نیز درنظر گرفت (با احتساب اختیار «فاعلاتن» به جای «فاعلاتن» در رکن نخست)، اما ماتقطیع ساده‌تر «فاعلن فاعلن فا //» را ترجیح داده‌ایم، زیرا حتی در یک مورد هم در تمام غزل‌های فوق از صورت نامزام‌حلف «فاعلاتن مفاعل //» استفاده نشده است. این می‌تواند بدان معنا باشد که شواهد فرق یک وزن بیشتر ندارند و آن همین «فاعلن فاعلن فا //» است و بس! در تمام وزن‌های مشابه نیز (مثالاً ۱۰.۳.۱ و ۱۱.۳.۱۰ وغیره) به همین شکل عمل کرده‌ایم.

عشق آمد چنین سرخ // آه با آن که دیر است
سرخ گل رسته از برف // راستی دلپذیر است (سیمین بهبهانی ۶۲۳)
غنجه‌وش در هوایت // می‌درم پوست، ای دوست!
شعر رنگینم از توست... // آه، ای دوست، ای دوست! (سیمین بهبهانی ۶۹۳)
بار بر دوش آنهاست // آه! آری، همان‌ها:
آب و نانت ندادند // آن دو خاتون که دیدی (سیمین بهبهانی ۸۴۱)
پُرده آن جام می‌را // ساقیا بار دیگر
نیست در دین و دنیا // همچو تو یار دیگر (مولوی)

۱۰.۳. فاعلن فاعلن فاعل//

- - - / - - - / -

ایلخان تحفه آوردند // زیر زربفت دیداری

خدمان خوانچه بر دستند // چندشان خسته می‌داری (سیمین بهبهانی ۹۴۱)
مغز بیمار و تن بیمار // شعر خاموش و من خاموش
هم قلم ناتوان در بند // هم زبان بی‌سخن خاموش (سیمین بهبهانی)
خیز تارو به دشت آریم // با حریفی سمن رویی
زیر موی شب افشاریم // بوشه بر موی شب بویی (عروض حمیدی)

۶۶۸

آینه پژوهش ۲۱۱ |
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰.۳.=فاعلن فاعلن عفا// (قلب در رکن سوم، بدل از «فاعلن فاعلن فاعل»)^۱

- - - / - - - / -

ای ز روی نکوی تو // گشته ماه فلک خجل
وی ز لطف شکسته ات // دل شکسته ز عاشقان (ادیب طوسی)

۱۱.۳. فاعلن فاعلن فاعلن//

- - - / - - - / -

آه ای امن دلخواه من // بام و ایوان و درگاه من
با تو سرگرم اوهام خویش // در تو از هر بلا ایمنم (سیمین بهبهانی)

۱. این وزن را می‌توان کاهشی در رکن سوم نیز دانست: «فاعلن فاعلن فعل».

۱-۱۰.۳.۱۱.۰.- فاعلن فاعلن فعلن // (کاهشی در رکن سوم، بدل از «فاعلن فاعلن فاعلن»)

- ب - ب - ب / -

با گلگاه سرخ بخوان // ای کبوتر که شعر منی
وقت پرواز می‌رسد // گرچه پرسته رسمی (سیمین بهبهانی ۱۰۵۷)

۱-۱۰.۳.۱۲.۰.۶. فاعلن فاعلن فاعلن فا // فاعلن فا (دوری نامساوی، یا مستزادگونه)

- ب - ب - ب / - / -

پای در چشمِه، بر تخته سنگی // خسته واری
خلوتی بی‌تودارد، پراز خویش // بی‌تو، آری (سیمین بهبهانی ۷۲۵)

۱=۱۰.۳.۱۲.۰.= فاعلن فالُی فاعلن فا (قلب در رکن دوم، بدل از «فاعلن فاعلن فاعلن فا»)

- ب - ب - ب / -

جلوه‌گر شد آیه تبارک

مقدم ابن‌الرضا مبارک (محمد موحدیان (امید))

۱-۱۰.۲. فعلن فعلن فع //

ب ب - ب ب / -

به تکا... به تکاپو // زره سفر آمد

هی و های و هیاها // که به خانه درآمد (سیمین بهبهانی ۹۳۵)

چه کم از تو بگردد // که به هر سر راهی

بنزی تو به لطفم // به خدنگ نگاهی (ظهیر فاریابی)

به ملاحظ حسنت // دل من بربودی

به ملالت هجرت // غم من بفزوی (ادیب طوسی)

۱-۱۰.۲+. فعلن فعالن فعلن // (افزایشی در رکن دوم، بدل از «فعلن فعلن فعلن»)

ب ب - ب - ب / -

به وجود پاکت شه من // زبان گزندی نرسد

به تو دود آهی مه من // زنجازمندی نرسد (محتشم کاشانی)

۱۱.۱.۲+. فعلن فعیلن فعل (افزایشی در رکن دوم، بدل از «فعلن فعلن فعلن فعل»)

// ب ب - / ب - ب ب - / ب

به وفای تو جان به فدا کنم
چو جفا کنی با تو وفا کنم (بدر شروانی)

۱۱.۲.۲. فعلُ فعلن//

ب - ب / ب - -

یا: //۹.۴.۹. مفاعلتمن مُف//
نگاره گلگون// به متن کبود است
شکفتن آتش// به شاخه رود است (سیمین بهبهانی ۶۳۲)
کنون که نشستی// چو قطره باران
به سبزه هر گل// به لرزه هر دل (سیروس شمیسا)

۹.۲.۲*. فاعول فعلُ فعل// (سیمینه: بدل از «فعلُ فعلُ فعل»)

- - ب / ب - ب / ب - /

چون سایه زلف سیاه// بنشسته برابر من
صد حلقه نشان سؤال// بر صفحه دفتر من (سیمین بهبهانی ۵۳۶)

۱۰.۲.۲. فعلُ فعلُ فعلن//

ب - ب / ب - ب /

برای خدا کمک کن// که من رو چاره ندارم
نه با تو امان حضورم// نه بی تو حضور امانم (سیمین بهبهانی ۸۱۳)
ترانه زنگ دستان// ز کوچه به گوش من آمد
عروسک زیور و کشور// به صد گله در سخن آمد (سیمین بهبهانی ۸۷۳)

۱۱.۳.۲. فاعلُ فاعلُ فاعل//

- ب - ب / ب - /

آه چگونه بگویم//، آه چگونه بگویم
با تو که باده من شو//، من که شکسته سبویم (سیمین بهبهانی ۶۸۹)

۶۷۰

آینه پژوهش ۲۱۱ |
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

۷۰.۳- مفاعilen مفاعilen مف (کاهشی در رکن نخست، بدل از «مفاعilen مفاعilen مف»)

- / - / - / - / -

یا: ۷.۰.۵+ مفاعilen مفاعilen مف (افزایشی در رکن دوم، بدل از «مفاعilen مفاعilen مف»)
بهار مردمی‌ها دی شد
زمان مهربانی طی شد (جواد آذر)
که گل به سبزه پنهان گردد
زشم تو پریشان گردد (رهی معیری)

۱۲.۰.۳= مفاعilen فامعilen مفاعilen. (قلب در رکن دوم، بدل از «مفاعilen مفاعilen مفاعilen»)

- / - / - / - / -

نگارینا در غمت دل پر از خون شد
پس آنگاه از دیده با اشک بیرون شد (عارضه، به نقل از نجفی، ص ۸۰)
نمی‌خواهم از تو یکدم جدا باشم
تو باشی همراه، من هر کجا باشم (به نقل از نجفی، ص ۸۰)

۶۷۱

آینه پژوهش | ۲۱۱
سال | شماره ۳۶
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۲.۰.۳= مفاعilen مفاعilen فامعilen. (قلب در رکن پایانی، بدل از «مفاعilen مفاعilen مفاعilen»)

- / - / - / - / -

سرم از عرش بالاتر بگذرانی
اگر گویی که هستی از بندگانم (به نقل از نجفی، ۱۳۹۷، ص ۸۰)

۱۲.۰.۳- مفعولاتُ مفعولتن // (کاهشی در رکن دوم، بدل از «مفعولاتُ مفعولاتن»)

// / - / - / - / -

یا: ۱۰.۱.۸. // فاعولن فعال // (افزایشی در رکن نخست، بدل از «فعولن فعال»)
یا: ۱۰.۳. = مُستَفْلِنْعِ مستفعلن // (قلب در رکن اول، بدل از «مستفعلن مستفعلن»)
یا: ۱۰.۳. + مستفعیلِ مستفعلن // (افزایشی در رکن اول، بدل از: «مستفعلِ مستفعل»)
می‌سوزم زداغ جگر // می‌نالم ز درد دلم
می‌غلتم ز شب تا سحر // خون گریم ز اندوه و غم (به نقل از نجفی، ۱۳۹۷، ص ۴۵)

//۷.۳.۳. مستفعلن مس//

//--/-

یا: ۲۰۱. مفعول مفعول//

بر من گذشتی// سر بر نکردی

از عشق گفتم// باور نکردی (سیمین بهبهانی ۴۰۸)

//۸.۳.۳. مستفعلن مستف//

//--/-

یا: ۷.۲۰۱. مفعول مفعولن//

یا: ۹.۴۰۶. مستفعلاتن مس//

آه این چه پیوند است// ضرب رقم در هیچ

حاصل چه خواهم داشت// یک هیچ و دیگر هیچ (سیمین بهبهانی ۵۴۰)

او قلب تاریخ است// محتاج دفتر نیست

او روح ایمان است// جز عین باور نیست (سیمین بهبهانی ۵۹۳)

ای بسته تودرتو// بر گرد من دیوار

یک روز خواهم زست// از این پیازین دار (سیمین بهبهانی ۵۲۴)

بی گردش چشمت// عیشم فراهم نیست

رنج پیاپی هست// رطل دمادم نیست (محمد قهرمان)

۶۷۲

آینه پژوهش ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

//۹.۳.۳. مستفعلن مستفعل//

//--/-

یا: ۱۰.۴.۶. مستفعلاتن مستف//

آیا کدامین آبی// در من زنو خواهد زاد

آیا کدامین روشن// بر جان جلا خواهد داد (سیمین بهبهانی ۷۷۸)

حال خوشی دارد شور// با پنجه شیرینت

در پرده موجی دارد// ابریشم رنگینت (سیمین بهبهانی ۸۲۹)

شادی کنان می‌رفتند// با چرخ اهدایی شان

یک جو نبود از عالم// پروای بی‌پایی شان (سیمین بهبهانی ۸۷۹)

یک دم بیا ای دلدار // بنما مرا آن رخسار
کز رشک گل در گلزار // در پیرهن دارد خار (زبده‌العروض)

۱۰.۳.۳- **مُتَفَعِّلُ مُسْتَفْعَلُن** (کاهشی در رکن نخست، بدل از «مستفعلن مستفعلن»)
ب - ب - - / - ب -

یا: ۱.۵+ . + مفاععلن مافاععلن (افزایشی در رکن دوم، بدل از «مفاععلن مفاععلن»)
تو شور عشقتم داده‌ای
مرا تو رسوا کرده‌ای (معینی کرمانشاهی)

۱۰.۳.۴- **مُتَفَعِّلُ مُسْتَفْعَلُن** // (کاهشی در رکن نخست، بدل از «مستفعلن
مستفعلن»)
ب - ب - / - ب -

یا: ۱.۵+ . // ۸.۰ . + مفاععلن مافاععلن // (افزایشی، بدل از «مفاععلن مفاععلن»)
کنون که خوش گردد هوا // تو خیز و زی بستان بیا
بگیر جامی از بتی // که یابی از لعلش شفا (به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۱۱۵)

۱۰.۳.۵= **مسْتَفْعَلِي مُسْتَفْعَلُن** // (قلب در رکن نخست، بدل از «مستفعلن
مستفعلن»)
ب - - - / - ب -

یا: ۱.۱+ . // ۸.۰ . فاعولن فعالن فعل // (افزایشی در رکن نخست، بدل از «فعولن فعالن فعل»)
یا: ۲.۰- . // ۹.۰ . - مفعولات مفعولتن // (کاهشی در رکن دوم، بدل از «مفعولات مفعولاتن»)
یا: ۳.۰- . // ۱۰.۰ . مستفعیل مستفعلن // (افزایشی در رکن اول، بدل از: «مستفعلن مستفعلن»)
می سوزم ز داغ جگر // می نالم ز درد دلم
می غلتمن ز شب تاسحر // خون گریم ز آندوه و غم (به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۴۵)

۱۱.۳.۳ **مُسْتَفْعَلُن مُسْتَفْعَلُن مَسْ** //
ب - - / - ب -
من دیده‌ام زنگین کمان را // خندیده در ذرات باران
من خوانده‌ام راز نهان را // در دفتر سبز بهاران (سیمین بهبهانی ۴۷۸)

تندیس آهويت مبارک // ای شهر رنگ و روشنایي
از من سلامی شاد بر تو // خوشتر ز بوی آشنايی (سیمین بهبهانی ۸۸۴)
ای رویت از فردوس بابی // وزنبلت بر گل نقابی
هر لحظه‌ای زان پیچ تابی // در حلق جان من طنابی (خواجو)

۱۱۰.۳.۲- .- مُتَفَعْلُنِ مستفعلن مس // (کاهشی در رکن اول، بدل از: مستفعلن مستفعلن مس) //

ب - ب - / - ب - - - / -

یا: ۱۰.۵+ .// مفاعلن مفاععلن مف // (افزایشی در رکن دوم، بدل از: مفاعلن مفاععلن مف)
چراغ را خاموش کدم // کتاب را ناخوانده بستم
پتو چه سنگین و چه زبر است // چقدر امشب خسته هستم (سیمین بهبهانی ۱۰۷۷)

۱۲۰.۳.۲- .- مستفعلن مستفعلن مُتف (کاهشی در رکن پایانی، بدل از «مستفعلن مستفعلن مُتف») //

- - ب - - - / - ب -

ساقی بیا تر کن لم ز می
مطرب بیا یکدم بدم به نی (نوراله همایون)

۶۷۴

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

۱۳۰.۳.۲- .- مستفعلن مستفعلن مُستَعِل (کاهشی در رکن پایانی، بدل از «مستفعلن مستفعلن مُستَعِل») //

- - ب - - - / - ب -

پیچان درختی نام او نارون
چون سرو زرّین پر عقیق یمن^۱ (فرخی)
من زارتر گریم همانا که او
خاموش گردید زار و من با پحن (عسجدی)
گفتمن نشاید اندر این ملک زیست
پیوسته یار رنج و جفت محن (وقار شیرازی)

۱. وزن «مستفعلن مستفعلن فاعلن» صورت اصلی و پرکاربرد بحر سریع در عربی است (رک. آریا طبیب‌زاده ۱۴۰۰: ۵۰).

۱۳۰۳۰. - مستفعلن مستفعلن مُتَفْعِل (کاهشی در رکن پایانی، بدل از «مستفعلن
مستفعلن مُسْتَفْعِل»)

- - - / - - - / - - -

ای ثابتی از من خبر نداری
ای جان و دل از تن خبر نداری^۱ (ملکالشعا بهار)
ما هر دو در یک دشت می‌چریدیم
دشتی بزرگ و سبز و پاک و جاری (مفتون امینی)

۱۳۰۳۰. - مستفعلن مُتَفْعِلُن مستفعلن (کاهشی در رکن دوم، بدل از «مستفعلن
مستفعلن مُسْتَفْعِل»)

- - - / - - - / - - -

امشب دلی شکسته دارم ساقی
چشمی به خون نشسته دارم ساقی (معینی کرمانشاهی)

۶۷۵

آینهٔ پژوهش | ۲۱۱
سال | ۳۶ شماره | ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

۱۴۰۳۰. = مستفعلن مُسْعَيَّتَفْعُلُن مستفعلن (قلب در رکن دوم، بدل از «مستفعلن
مستفعلن مستفعلن»)

- - - / - - - / - - -

برخیز جانا به من ده آن جام می
کزنور او ماہ را باشد روشنی (المعجم، به نقل از نجفی، ۱۳۹۷، ص ۶۳)
بگذرز خود گر رهی جویی سوی حق
تادر خودی بی نصیبی از روی حق (عروض ادیب نیشابوری ثانی، به نقل از نجفی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷)

۱۴۰۳۰. - مستفعلن مستفعلن مُسْتَعِلَن (کاهشی در رکن پایانی، بدل از «مستفعلن
مستفعلن مستفعلن»)

- - - / - - - / - - -

چون شد که از دشمن تو پروا نکنی
جز جانب آتش تو پروا نکنی (ملکالشعا بهار)

۱. وزن «مستفعلن مستفعلن فاعلن» در بحر رجز عربی دقیقاً به همین صورت کارید دارد (رک. آریا طبیب‌زاده: ۱۴۰۰: ۶۹).

۱۷۰.۳.۲- مستفعلن مستفعلن مستفعلن مُتَفَعِّل (کاهشی در رکن پایانی، بدل از «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن»)

- - - / - - - / - - -

تا کی زغم خارستم در قلب خود شکستن
از موی او آشفته‌تر شب تا سحر نشستن (بیژن ترقی)

//۸.۴.۳ فاعلاتن فا//

// - - / -

یا: ۱۷۰.۳.۱ فاعلن فاعل//

آسمان سرخ است// کهکشانش نیز

ماه و مریخش// روشنانش نیز (سیمین بهبهانی ۵۹۷)

جان ز من بستان// دل به برخون کن

این چنین باشد// دردم افزون کن (فیض)

بشنو ای فرزند// تا از این دفتر

خوانمت از بر// راز تیموری (ادیبالممالک فراهانی)

۶۷۶

آینه پژوهش ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

//۱۲۰.۴.۳ فاعلاتن فاعلاتن فا//

اسب می‌نالید، می‌لرزید...// سرفه‌ها اسفنج و خون می‌شد

هر نفس بر لب چو می‌آمد// از جگر لختی برون می‌شد (سیمین بهبهانی ۷۳۹)

۱۳۰.۴.۳- فاعلاتن فاعلاتن فَعِّل (کاهشی در رکن پایانی، بدل از «فاعلاتن فاعلاتن فاعل»)

- - - / - - - / -

زندگانی تلخ کردی مرا

زندگانی بی تو ناید به کار (المعجم، به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۹۲)

۱۴۰.۴.۳= فاعلاتن فاعلاتن عفلا (قلب در رکن پایانی، بدل از «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»)

- - - / - - - / -

از مدیدش وزن خوش بازیابی

گاه دعوی چون بدو درشتایی

فاعلاتن فاعلن فاعلاتن

گر چنین دانی همی بر صوابی (ترمذی)

غالیه زلفی سمن عارضینی

سروبالایی و زنجیرمویی (المعجم، به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۹۱)

مستمندم زاروارم نگارا

خسته داری جان ما را به هجران (المعجم، به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۹۱)

۱۵. ۴. ۳= فاعلاتن فالاعتن فاعلاتن (قلب درکن دوم، بدل از «فاعلاتن فاعلاتن»)

- - - / - - - / - - -

دلبر من در کار من غم ندارد

زان که چون من غم خوارگان کم ندارد (به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۹۰)

دیده ام تا رخسار آن ماه طلعت

گشت چشم آیینه سان محو حیرت (به نقل از نجفی ۱۳۹۷، ص ۹۰)

۶۷۷

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال | شماره ۳۶

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰. ۴ // فعلاتن فعلاتن فع //

ب - - - / ب - - - /

هرچه کردم نتوانستم //، آه دوست ز من بگذر

جان از ابرام به لب دارم // بگذر از صحبت تن بگذر (سیمین بهبهانی ۸۱۷)

«نوان مرد به سختی!» گفت // آن توانا به سخن دانی

گویم: اینجای که من زادم // می‌توان مرد به آسانی! (سیمین بهبهانی)

۹۰. ۴ . مفاعیل مفاعیل //

ب - - - / ب - - - /

شکیب از که طلب داری // مگر شیشه آب است این

به رقص آمده ذراتم // شراب است و شراب است این (سیمین بهبهانی ۵۷۳)

۱۲۰. ۴ = مفاعیل مفاعیل فامعی (قلب درکن پایانی بدل از «مفاعیل مفاعیل مفاعیل»)

ب - - - / ب - - - / -

از آن لعل که زردی برد ز روی

از آن نوش که تلخی دهد به کام (ابوالفرج رونی)
بیارای پسرای ساقی کرام
از آن شمع قنینه چراغ جام (مسعود سعد سلمان)
چنان دانم که م خواستار نیست
(و) یا شهر، مرا جز تو یار نیست (حسروی سرخسی)
خرد را عجب آید از آن نبید
وزان کو به نبیدش دل آرمید (ملکالشعرابهار)
می آرد شرف مردمی پدید
(و) آزاده نژاد از درم خرید (رودکی)
نه همچون رخ خوبت گل بهار
نه چون تو به نکویی بت بهار (فراهلوی)

۴.۳.۸.// مستفعلٌ مستفعلٌ //

// ب ب ب / - - -

یا: ۹.۴.// مستفعلتن مس //
سازش میسنید // با هیچ بهانه
کن رو شهیدان // رودی است روانه (سیمین بهبهانی ۵۹۱)
در خانه نشستیم // با روی پری وار
همسایه ابلیس // دیواریه دیوار (سیمین بهبهانی ۵۲۱)
زان نفخه که شد جفت // با تربت آدم
از خاک برآمد // بر چرخ معظم (مولوی)

۶۷۸

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
۱۴۰۳ فروردین و اردیبهشت

۴.۳.۹.// مستفعلٌ مستفعلٌ //

// ب ب ب / - - -

یا: ۱۰.۴.// مستفعلتن مستف //
ای کودک امروزین // دلخواه تو گر جنگ است
من کودک دیروزم // کز جنگ مرانگ است (سیمین بهبهانی ۶۰۵)

۴+ .۳.۱۰.// مستفعیلٌ مستفعلن // (افزایشی در رکن اول، بدل از: «مستفعلٌ مستفعلٌ»)

// ب ب ب / - - -

یا: ۱۰.۱.// فاعولن فعال // (افزایشی در رکن نخست، بدل از «فعولن فعال»)

یا: ۳۰.۳ = مستفلنِ مستفعلن // (قلب در رکن اول، بدل از «مستفعلن مستفعلن»)
یا: ۳۰.۲ = مفعولاتُ مفعولتن // (کاهشی در رکن دوم، بدل از «مفعولاتُ مفعولاتن»)
می‌سوزم ز داغ جگر // می‌نالم ز درد دلم
می‌غلتم ز شب تا سحر // خون گریم ز آندوه و غم (به نقل از نجفی، ۱۳۹۷، ص ۴۵)

۴.۳.۱۱. مست فعلُ مست فعلُ مس //

// بـ بـ بـ / بـ

بر صفحهٔ ژرفای کبود // خط گذری باید و نیست
پرواز مگو آه مگو // ما را که پری باید و نیست (سیمین بهبهانی ۶۲۷)

۴.۴. مفتعلن مفتح //

- بـ بـ / -

یا: ۵.۷ // ۱۰.۵. مفتعلن مف //

باز بهار آمد // شیفتہ‌ام مستم
آه که می‌لرزد // باز دلم دستم (سیمین بهبهانی ۶۸۶)
باز چو دلاکان // نیشتیری داری
بهر دل آرزن // شور و شری داری (شهاب ترشیزی)

۴.۵.۱۰. مفتعلن مفتح //

- بـ بـ / -

پلک به هم می‌نهم // باع گل و سوسن است
جلوه‌کنان رنگ‌رنگ // این همه گل از من است (سیمین بهبهانی ۷۷۳)
چهره سپردم به تیغ // بلکه جوانش کنم
منظر چشمان خلق // آینه‌سانش کنم (سیمین بهبهانی ۸۴۵)

۴.۶.۱۰.۴. مفتعلن مفتح // مفتعلن مف (وزن دوری نامساوی، یا مستزادگونه)

- بـ بـ / -

سخت به جوشی دلا // نرم ترک باش
باش که تا گل کند // بوته خشخاش (سیمین بهبهانی ۷۹۰)

-۴۰۴.//۱۱۰.-) مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ // (تسکینی در رکن اول، بدل از مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ //)

بانو این هدیه به تو //، آن را از من بپذیر
گفت و بردش سر دست // افکند از پله به زیر
قربانی بر سر خاک // تابی خورد از سر درد
جویی خون... بعد سقوط // خاموشی... بعد نفیر (سیمین بهبهانی ۱۰۸۷)

-۴۰۴.//۱۱۰.-) مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ // (تسکینی بدل از «مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ»):

//--ب--/-/-ب-

با:-۱۰(//۱۴.۸.-) مفتَّعلَنْ فاعلا // (تسکینی بدل از: «مفتَّعلَنْ فاعلا»)
باید چیزی نوشت // باید اما کجا
لوحی یا دفتری // دیگر با ما کجا (سیمین بهبهانی ۷۱۵)
او را از نیکویی // قارون کرده است باز
ما را خواهد همی // کز غم قارون کند (المعجم)

۶۸۰

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۴۰۴.//۱۲۰. مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ مُف//

-ب--/-ب--/-ب-

وقت دروکردن گل شد // کار به فردا مگذارید
داس بجوييد و بيايد // لاله به صحراء مگذاري (سیمین بهبهانی)
يار من است او به چه نغزي // خواجه اگرچه همه مغزي
چون گذری بر سر کويش // پاي نكونه که نلغزي (مولوي)

=۴۰۱۵. مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ مُفتَّلِبِعْ (قلب در رکن آخر، بدل از «مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ»)

-ب--/-ب--/-ب-

دل هوسي سبزه و صحراء ندارد
میل به گلگشت و تماشا ندارد (عارف قزویني)

=۴۰۱۶. مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ مفتَّلِبِعْ مف (قلب در رکن سوم، بدل از «مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ مفتَّعلَنْ مف»)

-ب--/-ب--/-ب--/-ب-

پهلوی دیوار ترک خورده‌ای که نوز
می‌گذرد بر تن او کاروان نور (اخوان ثالث)
غم مخور ای دل که جهان را قرار نیست
آنچه توبینی به جز از مستعار نیست (ملک‌الشعراء بهار)

۱۹.۴.۴ = مفتولن مفتولن تُمْفَعْلِن مفتولن (قلب در رکن سوم، بدل از «مفتولن
مفتولن مفتولن مفتولن^۱»)

- ب ب - / ب ب - ب ب - / -

دست کسی بزرگش به شاخ هَوَیَت تو
تارگ نخلیت او ز بیخ و بن بزنکنی (سنایی)
درد مرا چاره مکن که من به درد تو خوشم
گربکشی وربکشی، ز حکم تو سرنکشم (جامی)

۶۸۱

آینهٔ پژوهش | ۲۱۱
سال | شماره ۳۶
۱۴۰۴ فروردین و اردیبهشت

۱۹.۴.۵ = مفتولن تُمْفَعْلِن مفتولن مفتولن (قلب در رکن دوم، بدل از «مفتولن
مفتولن مفتولن مفتولن^۲»)

- ب ب - / ب ب - ب ب - / -

سرخ نخوانمت که او نیست بدین رعنایی
ماه نگوییمت که مه نیست بدین زیبایی (جامی)

۱۰.۵ // مفاعلن مفاعلن //

// - ب - /

زمان زمان خواب است// زربط ونظم عاری
نموده‌ها مشوش// پدیده‌ها غباری (سیمین بهبهانی ۶۰۳)

۱. توجه شود که قاعدة قلب در اینجا وزن جداگانه‌ای را تشکیل نمی‌دهد بلکه در اینجا از اختیار شاعری قلب («مفاعلن» به جای «مفتولن») استفاده شده که حدوداً تا اوخر قرن ششم در شعر فارسی رواج داشته است.

۲. در اینجا هم با اختیار قلب («مفاعلن» به جای «مفتولن») سروکار داریم که حدوداً تا اوخر قرن ششم در شعر فارسی رواج داشته است.

دگر چه با تو گویم // که هرچه بود گفتم

نه بیم نام کردم // نه عشق را نهفتم (سیمین بهبهانی ۴۰۹)

سوار خواهد آمد // سرای ژفت و روکن

کلوچه بر سبد نه // شراب در سبو کن (سیمین بهبهانی ۶۵۸)

دلم گرفته ای دوست // هوای گریه با من

گراز قفس گریزم // کجا روم، کجا، من؟ (سیمین بهبهانی ۶۸۸)

فروغ جام باده // به دلت نور داده

یلان شاهزاده // تورا چو پرده‌دارا (المعجم)

مرا غم تو ای دوست // ز خانمان برأورد

مرا فراقت ای ماه // ز مال و جان برأورد (المعجم)

مهاتوبی سلیمان // فراق و غم چو دیوان

چو دور شد سلیمان // نه دست یافت شیطان (مولوی)

نمی‌گذارم از من // بگیرد زمانه

به هر دلیلی این بار // و یا به هر بهانه (حسین منزوی)

۶۸۲

آینه پژوهش ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

(۷.۱.۵+ .+ مفاعلن مفاعilen مف (افزایشی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن مفاعilen مف»)

- / - - / - - -

یا: - ۷.۱.۳- .- مفاعلن مفاعilen مف (کاهشی در رکن اول، بدل از «مفاعلن مفاعilen مف»)

بهار مردمی‌ها دی شد

زمان مهریانی طی شد (جواد آذر)

که گل به سبزه پنهان گردد

ز شرم تو پریشان گردد (رهی معیری)

(۸.۱.۵+ .+ مفاعلن مفاعلن (افزایشی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن مفاعلن»))

- / - - - / - - -

یا: - ۱۰.۳۰.۳- .- متفعلن مستفعلن (کاهشی در رکن نخست، بدل از «مستفعلن مستفعلن»)

تو شور عشقم داده‌ای

مرا تو رسوا کرده‌ای (معینی کرمانشاهی)

۱۰.۵+ مفاعلن مفاعلن // (افزایشی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن مفاعلن»)

ب ب - / - ب -

یا: - ۳.۱۰. - متفعلن مستفعلن // (کاهشی در رکن نخست، بدل از «مستفعلن مستفعلن») کنون که خوش گردد هوا // تو خیز و زی بستان بیا بگیر جامی از بتی // که یابی از لعلش شفا (به نقل از نجفی، ص ۱۱۵)

۱۰.۵ مفاعلن مفاعلن مف //

ب ب - / - ب -

به جامه غنچه غنچه مَنشان // نگاره گلابتون را نگاه کن به عطف دامان // نشان قطره قطره خون را (سیمین بهبهانی ۸۶۷) پرس باد را جنون چیست // بگو به ابر سیل خون چیست بین به خاک سرنها ده // صنوبران سرنگون را (سیمین بهبهانی) رها مکن که پر زدن را // کبوترم نمی‌شناسد

شکسته بال و پیر، حریمی // جز این حرم نمی‌شناسد (سیمین بهبهانی ۷۰۴) ز من چوبی خبر فتادی // ز حال خود خبر ندارم نشسته‌ای اگرچه در دل // ز خاطرت گذر ندارم (محمد قهرمان)

۱۰.۵- مفاعلن مفاعل مف // (کاهشی در رکن دوم، بدل از: «مفاعلن مفاعلن مف//»)

ب ب - / - ب -

قلم به کف عطارد من // که ظلم را رقم نزدی چه شد که نایجا همه را // بجا گرفته دم نزدی (سیمین بهبهانی ۱۰۰۹) تنی سیاه رازده‌اند // محافظتان به بوم و بری ستم فتاده است و کسان // شنیده‌اند از آن خبری (سیمین بهبهانی ۱۱۰)

۱۰.۵+ مفاعلن مفاعلن مف // (افزایشی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن مفاعلن مف»)

ب ب - / - ب -

یا: - ۳.۱۱. مُتَفِعْلُنْ مستفعلن مس // (کاهشی در رکن نخست، بدل از «مستفعلن مستفعلن مس//») چراغ را خاموش کردم // کتاب را ناخوانده بستم پتو چه سنگین و چه زیر است // چقدر امشب خسته هستم (سیمین بهبهانی ۱۰۷۷)

۱۰.۵* = مفاعلن مفاعلن مف // (وزن سیمینه، بدل از «مفاعلن مفاعلن مف //»)

// - ب - ب - ب - ب - ب -

باور نمی‌کنید اما // در مشت‌ها ستاره دارم
طرحی زنور می‌تراود // انگشت‌ها چو می‌فشارم (سیمین بهبهانی ۹۵۴)
در این درازنای ظلمت // میعاد با سحر نداری
مشعل نمی‌کند کفایت // از طول شب خبر نداری (سیمین بهبهانی)
انگار گرئه ملوسی // خوابیده روی دامن من
خودکام و راضی و تن آسان // گرمی دوانده در تن من (سیمین بهبهانی ۸۵۹)

= ۱۱.۱.۵ = مفاعلن مفاعلن فامعل // (قلب در کن آخر، بدل از «مفاعلن مفاعلن مفاعلن»)

ب - ب - ب - ب - ب - ب -

نه بر دلم که این نظر کو نمود // به سنگ خاره هم اثر می‌کند
رهی زنو بنا نهد هر نفس // چو این نشد ره دگر می‌کند... (وقار شیرازی)

۱۲.۱.۵ = فامعُلُن مفاعلن مفاعلن (قلب در کن نخست، بدل از «مفاعلن مفاعلن مفاعلن»)

- ب - ب - ب / ب - ب - ب -

گر بر هد دل من از هوای تو
کو دگری که دل دهم به جای تو (جامی)

۱۳.۱.۵ = مفاعلن مفاعلن مفاعلن مف

ب - ب - ب - ب - ب - ب -

چه بی امان چه مهریان چه عاشقانه
پریده‌ام به سوی تو ز آشیانه (سیمین بهبهانی ۶۹۴)
شکسته دل نشسته در امید فردا
وبسته دل شکسته بر امید فردا (بهاءالدین خرمشاهی)

= ۱۴.۱.۵ = مفاعلن مفاعلن فامع (قلب در کن آخر، بدل از: «مفاعلن مفاعلن مفاعلن مف»)

ب - ب - ب - ب - ب - ب -

شب و سحر به نام تو ترانه می‌خوانم
به شوق یک سلام تو همیشه می‌مانم (قیصر)

۶۸۴

آینه پژوهش ۲۱۱ |
سال ۳۶ | شماره ۱
۱۴۴ فروردین واردیبهشت

//۲۰.۵ فاعلاتُ فا//

// - ب - ب -

خارجهای رشت // خارهای پیر

چون خطوط هیچ // رُسته در کویر (سیمین بهبهانی ۵۱۱)

گرم و سرخوشم // شمع روشنم

چون زبانه شد // سرزد از تنم (سیمین بهبهانی ۸۴۳)

از کفم رها // شد قرار دل

نیست دست من // اختیار دل (عارف)

خط عنبرین // بر شکر مکش

طوق مشک چین // گرد خود مکش (جامی)

سنبل سیه // بر سمن مزن

لشکر حبیش // برختن مزن (خواجو)

یارکی مراست // رند و بذله گو

شوخ و دلربا // خوب و خوش سرشت (قاآنی)

۶۸۵

آینهٔ پژوهش ۲۱۱ |

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

//۲۰.۵ فاعلاتُ فاعل//

// - ب - ب -

یا: //۱۰.۵.۸. مستفاعلن مس //

ایلخان پری رو // نیست کم غمت کم

بیش هرچه خواهی // بیشتر فراهم (سیمین بهبهانی ۹۳۳)

این کجا سپیده است // این کجا سپیده است

رفه خون زرگ هاش // رنگ شب پریده است (سیمین بهبهانی ۷۰۷)

خوش دلم که دارم // از جهان هستی

عشق ماهرویان // ذوق می پرستی (ادیب طوسی)

هر شب از فراغش // تا سحر بنالم

شاید آید از یار // مرده وصالم (مهدی الهی قمشه‌ای)

//۲۰.۵ فاعلاتُ فاعلا//

// - ب - ب / -

تیک تاک تیک تاک // لحظه آه می‌رود

ناگزیر سر به زیر // پا به راه می‌رود (سیمین بهبهانی ۶۲۵)
خط به آخر آمده است // همچنان نشسته‌ای
پا فرانمی‌نهی // بس که خرد و خسته‌ای (سیمین بهبهانی ۷۹۴)
شب که پرده می‌کشد // تیره بر کمانه‌ها
تیره روزتر کسیم // ما در این میانه‌ها (اخوان)

۹.۲.۵. فاعلات فاعل‌تن //

- ب - ب - ب - // -
میوه‌های خارپشتی // روی شاخه چناران
عقده‌های سرگشوده // از نوازش بهاران (سیمین بهبهانی ۷۸۲)
پیر ما و سال هستم // پیر یاربی وفا، نه
عمر می‌رود به تلخی // پیر می‌شوم، چرانه؟ (سیمین بهبهانی ۱۱۴۵)
ذهن: دود حلقه حلقه // ذهن: ابر توده توده:
گاه پیچ خورده در پیچ // گاه خم زخم گشوده (سیمین بهبهانی)
ایلخان ستاره‌ها را // یک به یک نظاره کردی
تا منجمت چه گوید // سوی او اشاره کردی (سیمین بهبهانی ۹۳۱)
ای شکسته بال بلبل // کن چو من فغان و غلغل
توالم چشیده هستی // من ستم کشیده هستم (فرخی بزدی)

۶۸۶

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
۱۴۰۵ فروردین واردیبهشت

۱۰.۲.۵. فاعلات فاعل‌فای//

- ب - ب - ب - // -
تن کشیده زیر بال شب // بی‌کرانه ملال ما
بادبان کهنه زورقی است // این کبود خال خال ما (سیمین بهبهانی ۷۰۹)
خوش بود، خوشة طلا // دشت بود، دشت بیکران
از حریر نازک تسمیم // موج سایه روشنی بر آن (سیمین بهبهانی ۷۴۵)
نقش‌های کهنه‌ام چقدر // تلخ و خسته و خزانی اند
نقش غربت جوانه‌ها // رنگ حسرت جوانی اند (حسین منزوی)

* ۵. * مفاعلن مفتعلن // (سیمینه، بدل از «مفاعلن مفتعلن») // - ب - ب - / -

یک مترو هفتاد صدم // افراشت قامت سخنم
یک مترو هفتاد صدم // از شعر این خانه منم (سیمین بهبهانی ۱۰۵۹)

۶. ۹. مستفعلاتن مس //

// - ب -

یا: ۲۰. ۱. مفعول مفعولن //

یا: ۳۰. ۳. مستفعلن مستف //

آه این چه پیوند است // ضرب رقم در هیچ
حاصل چه خواهم داشت // یک هیچ و دیگر هیچ (سیمین بهبهانی ۵۴۰)
او قلب تاریخ است // محتاج دفتر نیست
او روح ایمان است // جز عین باور نیست (سیمین بهبهانی ۵۹۳)

۶۸۷

آینهٔ پژوهش | ۲۱۱
سال | ۳۶ شماره | ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

ای بسته تودرتو // برگرد من دیوار
یک روز خواهم رسست // از این پیازین دار (سیمین بهبهانی ۵۲۴)
گفتی که: «انگور است.» // گفتم «نمی بیم!»
گفتی که: «باور کن!» // یک خوشه می چینم (سیمین بهبهانی ۷۴۱)
بی گردش چشمت // عیشم فراهم نیست
رنج پیاپی هست // رطل دمادم نیست (محمد قهرمان)

۶. ۱۰. مستفعلاتن مستف //

// - ب - / -

یا: ۳۰. ۳. مستفعلن مستفعل //

آیا کدامین آبی // در من زنو خواهد زاد

آیا کدامین روشن // بر جان جلا خواهد داد (سیمین بهبهانی ۷۷۸)
حال خوشی دارد شور // با پنجه شیرینت

در پرده موجی دارد // ابریشم رنگینت (سیمین بهبهانی ۸۲۹)
سود و زیان در قلب // بازاریان جا کرده

پروای جان کی دارند// این مردم سودابی (رضازاده شفق)
یک دم بیا ای دلدار// بنما مرا آن رخسار
کز رشک گل در گلزار// در پیرهن دارد خار (زبده‌العروض)

//۹۰۴.۷ مستفعلتن مس//

//-- ب ب ب /
یا: ۳۰۴. مستفعلُ مستف//
ساژش می‌سندید// با هیچ بهانه
کز رود شهیدان// رودی است روانه (سیمین بهبهانی ۵۹۱)
در خانه نشستیم// با روی پری وار
همسایه ابلیس// دیوار به دیوار (سیمین بهبهانی ۵۲۱)
زان نفخه که شد جفت// با تربت آدم
از خاک برآمد// بر چرخ معظم (مولوی)

۶۸۸

آینهٔ پژوهش ۲۱۱ |
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

//۱۰۴.۷ مستفعلتن مستف//

-- ب ب /--
یا: ۹۰۳.۴. مستفعلُ مستفعل//
ای کودک امروزین// دلخواه تو گر جنگ است
من کودک دیروزم// کز جنگ مراننگ است (سیمین بهبهانی ۶۰۵)

//۱۱۰۴.۷ مستفعلتن مستفعل//

//-- ب ب ب /
بر سفرهٔ چرمین امتب// یک نامه و یک دفتر کو
یک سطر به تنایی نه// یک واژهٔ تنها تر کو (سیمین بهبهانی ۵۸۵)
پرواز توانی آیا// ای طایر بندآخته
پیکار پسندی آیا// ای شیر کمندآخته (سیمین بهبهانی ۵۸۸۷)
در لجهٔ سرگردانی// چون گوی شناور بودم
با آن همه نافرمانی// محکوم مقدر بودم (سیمین بهبهانی ۵۶۷)

تب تب تب طفلی می‌کوفت // در شاهرگ طوفان‌ها
خط خط خط کچ راهی بود // در معزکه باران‌ها (سیمین بهبهانی ۹۶۷)
از دست غمت محزونم // دیوانه‌تر از مجذونم
گر جان بیرم زین سودا // در عرف خرد مغبونم (بهاءالدین خرمشاهی)

۷. ۴. ۱۲. مستفعلتن مست فعلَت

- ب - ب - / - ب -

فرمان چودهد فرمان کنم
جان خواهد اگر قربان کنم (سیمین بهبهانی)
از آدمیان همچون پری
چون برگذری دل می‌بری (المعجم)

۷. ۵. ۱۰. مفتعلاتن مف //

- ب - ب - / -

یا: ۴. ۹. ۰. مفتعلن مفتح //
باز بهار آمد // شیفته‌ام مستم
آه که می‌لرزد // باز دلم دستم (سیمین بهبهانی ۶۸۶)
باز چو دلاکان // نیشتری داری
بهر دل آرزن // شور و شری داری (شهاب ترشیزی)

۸. ۱. ۶. مفاعلاتن مف //

ب - ب - / -

یا: ۱۱. ۰. ۹. مفاعلن مفتح //
دوباره باید ساخت // شما! که ما رفتیم
اگرچه ننشستیم // زپای تا رفتیم (سیمین بهبهانی ۷۱۷)
نهاد بر درگوش // صدای یک زن بود
چه رفت بر کولی // دلش ز آهن بود (سیمین بهبهانی ۶۵۱)

۶۸۹

آینهٔ پژوهش | ۲۱۱
سال | ۳۶ شماره ۱
۱۴۰۴ فروردین و اردیبهشت

۱۰.۸ // مفاعلاتن مفا//

ب // - ب - ب /

یا: ۴۰۱۰. مفاعلن مفتعل //

حمید آزاد شد // هویزه آزاد شد

نوشته‌ها جان گرفت // خطوط فریاد شد (سیمین بهبهانی ۷۱۳)

به حق آن خم زلف // به سان منقار باز

به حق آن روی خوب // کزوگرفتی براز (رودکی)

جهان فرتوت باز // جوانی از سرگرفت

به سرز یاقوت سرخ // شقایق افسرگرفت (قاآنی)

چو ایر بر کرد سر // ز کوه مازندران

سیاه کرد این جهان // همه کران تا کران (نیما)

مرا سحر چون گذر // به طرف بستان فتد

ز شوق آن گل عذار // ز دیده باران فتد (جامی)

۶۹۰

۸۰.۸ // مفاعلاتن مفاعل //

ب - ب - ب /

سیاه پر خشم کوفی // خطوط قهر شما آه

کبود آرام کاشی // نمود تسلیم ما آه (سیمین بهبهانی ۶۲۹)

برای انسان این قرن // چه آرزو می‌توان کرد

که در نخستین فرآگشت // خراب و خون ارمغان کرد (سیمین بهبهانی ۱۱۲۸)

نمی‌توانم بیینم // جنازه‌ای بر زمین است

که بر خطوط مهیبش // گلوله‌ها نقطه چین است (سیمین بهبهانی ۵۹۵)

قسم به انجیر و زیتون // کنایتی آسمانی

که باغ می‌سوزد از تب // فغان از این با غبانی (سیمین بهبهانی ۹۷۵)

دوازده خوشه با من // که خوشه سی دانه با او

حراست توشه با من // هراس بیگانه با او (سیمین بهبهانی ۷۳۱)

۹۰.۸ // مفاعلاتن مفلا//

ب - ب - ب /

به زنده ماندن در این دیار // چه پای سختی فشد هام

۲۱۱ | آینه پژوهش

۱ | شماره ۳۶ سال

۱۴۰۴ | فروردین واردی بهشت

چه مرگ‌ها آزموده‌ام // ولی شگفتان مرده‌ام (سیمین بهبهانی ۱۰۹۵)
هزار پروانه طلا // میان گل‌های سوسن است
به طاق تالار آینه // هزار قندیل روشن است (سیمین بهبهانی ۸۵۵)
میان جالیز می‌دوم // کنار بزغاله‌ای سیاه
به متن تصویر کودکی // نشسته ابهام سال و ماه (سیمین بهبهانی ۸۸۶)
دوباره می‌سازمت وطن // اگرچه با خشت جان خویش
ستون به سقف تو می‌زنم // اگرچه با استخوان خویش (سیمین بهبهانی ۷۱۱)

۹.۱.۸*. مفاعلاتن مفاعلا // (وزن سیمینه، بدل از «مفاعلاتن مفاعلا»)

حالی است حالم نگفتنی // امروز سیمین دیگرم
گویی که خورشید پیش از این // هرگز نتابیده بر سرم (سیمین بهبهانی ۹۲۱)

۹.۳.۸. مفاعیلتن مفا

۶۹۱
آینه پژوهش | ۲۱۱
سال | شماره ۳۶
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

// ۹.۲۰. مفاعیل فاعلا //
شبی همرهت گذر // به سوی چمن کنم
زن جامه برکنم // زگل پیرهن کنم (سیمین بهبهانی ۵۲۶)
برون می‌خزد ز پوست؛ // دلم میوه شد، رسید
ز خورشید ماه تیر // مگر پوستش درید؟ (سیمین بهبهانی ۹۹۷)
بدین خرمی جهان // بدین تازگی بهار
بدین روشنی شراب // بدین نیکویی نگار (فرخی)
شب است و بساط عیش // به خوبی مرتب است
شبی را که جان در او // به رقص آید امشب است (بهار)
مگر باز برفوخت // گل از هر کنار نار
که هر دم ز سوز دل // بگرید هزار زار (فآنی)

۱۰.۴.۸. مستفعلاتُ مستف //

// ۹.۳۰. مست فعلن مفاعل //
یا:

در خواب هول رفتم // با قصه‌ای زیداد
آری حکایتی بود // سرب از دهان پولاد (سیمین بهبهانی ۵۸۹)
جامی گناه خواهم // پیمانه‌ای تباہی
وانگاه تودهای خاک // آلدۀ با سیاهی (سیمین بهبهانی ۵۱۳)
من روح می فروشم // کالای من همین است
وز هرچه نارواتر // این نارواترین است (سیمین بهبهانی ۵۴۸)
من دیر دیر سالم // از کهنگی چه بیم
صد گونه باده دارد // میخانه قدیم (سیمین بهبهانی ۸۳۷)

۱۱.۴.۸ مستفعلاتُ مستفعل//

---/---

در ناگزیر خاموشم // گنجشک جان چه می خوانی
وز چندوچون که می دانم // بی چندوچون که می دانی (سیمین بهبهانی ۷۸۸)
سارا چه شادمان بودی // با بقچه‌های رنگینت
شال و حریر و ابریشم // کالای چین و ماچینت (سیمین بهبهانی ۷۲۷)
آیا بهار جایدم // کز دشت بارور خیز
یا خود عروس خورشیدم // کز بستر سحر خیزم (سیمین بهبهانی ۷۷۷)
راوی صلای حرمت زد // یرلیغ خان خانان را
تا هرکسی بیاراید // فردا سحر بیابان را (سیمین بهبهانی ۹۳۷)
در خود خوش‌ها دارم // چون چاه اگرچه خاموشم
می جوشم از درون هرچند // با هیچ‌کس نمی جوشم (حسین منزوی)

۶۹۲

آینهٔ پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰.۵.۸ مستفاعلن مس//

-/- -/ -

یا: // ۷.۲.۵. فاعلاتُ فاعل//
ایلخان پری رو // نیست کم غمت کم
بیش هرچه خواهی // بیشتر فراهم (سیمین بهبهانی ۹۳۳)
دشمنش خدا باد // وز خدا جدا باد
کینه در دل خلق // هرکه آفریده است (سیمین بهبهانی)

خوش‌دلم که دارم // از جهان هستی
عشق ماهرویان // ذوق می‌پرستی (ادیب طوسی)
هر شب از فراغش // تا سحر بنالم
شاید آید از یار // مژده وصالم (مهدی الهی قمشه‌ای)

// ۱۱.۵.۸ مستفاعلن مستف//

- - - - -

خشک، خشک، بی جان خشک // زهد خشک و زهدان خشک
خشک هم نخواهم زاد // زین سترون وزان خشک (سیمین بهبهانی ۶۰۹)
یک دریچه آزادی // باز کن به زندانم
یک سبو پراز شادی // خرج کن که مهمانم (سیمین بهبهانی ۸۳۵)
وقت را غنیمت دان // آن قدر که بتوانی
حاصل از حیات ای جان // این دم است تا دانی (حافظ)

ای شب ای شب برفی // ای شب زمستانی
گریه در گلو دارم // چون هوای بارانی (نادر نادرپور)

// ۱۲.۵.۸ مستفاعلن مستف//

- - - - -

در کبد بی‌انتها // شب چو نقره‌کاری کند
زیر کهکشان آب‌ها // زیرکانه جاری کند (سیمین بهبهانی ۵۵۸)

// ۸.۱.۹. متفاعلن مُت‌فا// (تسکینی در رکن دوم، بدل از «متفاعلن مُت‌فا»)

- - - - -

چه دروغ می‌گویی // به شگفت می‌مانم
چه فریب می‌سازی // چه کنم نمی‌دانم (سیمین بهبهانی)
تو به گرگ می‌مانی // که به میش می‌ماند
منم آن که خواهد کشت // غم گوسفندانم (سیمین بهبهانی)
به خزان گلریزان // سوی نیتوآمد
قد چون سهی سروش // قمر بنی هاشم (شهریار)

۹۰۱.۹ // متفاعلن متفاعل //

ب ب - ب - ب / ب ب

چه سکوت سرد و سیاهی // چه سکوت سرد و سیاهی
نه فراغ ریزش اشکی // نه فراغ شعله آهی (سیمین بهبهانی ۵۸۳)
دور دیف برگ افقی // چه تقابلی چه نظامی!
چه گروه بستن نرمی // چه به صفت نشستن رامی (سیمین بهبهانی ۸۰۴)

۹۰۱.۱۰ + متفاعلن متفاعلین // (افزایشی در رکن دوم، بدل از «متفاعلن متفاعل»)

ب ب - ب - ب / ب ب

ونگاه کن به شتر آری // که چگونه ساخته شد باری
نه ز آب و گل بسرشنیدش // ز سراب و حوصله پنداری (سیمین بهبهانی ۹۶۹)

۹۰۲.۱۱ * مفاععلن مفاععلن // (وزن سیمینه، بدل از: مفاععلن مفاععلن)

ب ب - ب - ب / ب ب

من جرم زمین شکافته‌ام // زان سوی سپهر سر زده‌ام
مرغی شده‌ام عظیم و عجب // بر اوچ کبود پر زده‌ام (سیمین بهبهانی ۹۴۵)

۶۹۴

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

۹۰۳.۹ . مستفاعلُ مستف

- ب - ب / ب

یا: ۱۲.۶.۱۰ . فاعلاتُ مفاعيل
تازگی چه خبرها؟
کهنه هم خبری نیست (سیمین بهبهانی ۱۱۲۰)

۹۰۳.۹ . مستفاعلُ مستف //

- ب - ب / ب

یا: ۱۲.۶.۱۰ . فاعلاتُ مفاعيل //
خواهد از من رسو // یار آینه رویم
کانچه خواهد و گوید // طوطیانه بگویم (سیمین بهبهانی ۵۷۹)
خیز و طرف چمن گیر // با حریف سمن روی
گاه سنبلِ تر چین // گاه شاخ سمن بوی (بحورالالحان)

۱۱۰.۳.۹ // مستفأعلُ مستفأعلٌ //

ب - ب - ب / ب - ب -

با دو دیده نیمه چرخان // ساعتم پسری جوان است
این همیشه جوان شگفتا // شاخص گذر زمان است (سیمین بهبهانی ۹۹۱)

۱۲۰.۴.۹ // مفاعلتن مفاعلتن // (تسکینی در رکن دوم: بدل از مفاعلتن مفاعلتن)

ب - ب - ب / ب - ب -

به قله رسیده ام تنها // گروه رفیق راهم کو
شب است و اسیر کولاکم // چراغ پناهگاهم کو (سیمین بهبهانی)

۱۳۰.۵.۹ // مفعلاًث مفعلاً //

ب - ب - ب / ب - ب -

شعله نگفته با تو اگر // سرکشی نهان مرا
فاش نگر به مجرم تن // رقص جنون جان مرا (سیمین بهبهانی ۵۶۵)

۸.۱.۱۰ . فعلاتن مفاعلن

ب - ب - ب / ب -

حاله گردن دراز من
رنجه فرموده ای قدم (سیمین بهبهانی ۱۰۴۸)
ای بُت من بهار من
مه سیمین عذار من (دهخدا)
اشک یخ بسته در نگاه
درد در بسته بر امید (شرف)

۸.۱.۱۰ // فعلاتن مفاعلن //

ب - ب - ب / ب -

کولی آواز غربت // جز غم روزگار نیست
باز اما بخوان بخوان // که جز این غمگسار نیست (سیمین بهبهانی ۶۵۳)
چون ز دارندگان به زور // بگرفتند داده ها

من به بیهوده داوری // غم ناداده می‌خورم (داوری شیرازی)
نوجوان مرا فلک // خون دل ریخت در ایاغ
نونهال مرا سپهر // کند از بن به طرف باغ (ادیبالممالک فراهانی)

۱۰.۲.۹.// مفاعیل فاعل//

ب--ب-/ب--

۸.۳.// مفاعیلتن مفا

شبی همرهت گذر // به سوی چمن کنم
زن جامه برکنم // زگل پیرهن کنم (سیمین بهبهانی ۵۲۶)
برون می‌خزد ز پوست؛ // دلم میوه شد، رسید
ز خورشید ماه تیر // مگر پوستش درید؟ (سیمین بهبهانی ۹۹۷)
بدین خرمی جهان // بدین تارگی بهار
بدین روشنی شراب // بدین نیکویی نگار (فرخی)
شب است و بساط عیش // به خوبی مرتب است
شبی را که جان در او // به رقص آید امشب است (بهار)
مگر باز برفروخت // گل از هر کنار نار
که هر دم ز سوز دل // بگردید هزار زار (قاآنی)

۶۹۶

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰.۳.// مست فعلن مفا//

ب--ب-/ب--

کولی بر آن درخت // تیری نشانده دوست

یعنی که: دی پسین // زین سوی رانده دوست (سیمین بهبهانی ۶۵۷)
کو برگ لاله‌ام؟ // نیلوفری شده
ابریشم سیاه؟ // خاکستری شده (سیمین بهبهانی ۶۹۸)
اندر جهان دو چیز // از دل برد محن
یا ساده جوان // یا باده کهن (قاآنی)
ای کرده ما را // از تیره شب نقاب
در شب فکنده چین // بر مه فکنده تاب (خواجو)
ویرانه کرد چرخ // بستان و کاخ ما
شد تنگنای غم // قصر فراغ ما (ادیبالممالک فراهانی)

۱۰. ۳. مستفعلن مفاعل //

// - ب - ب -

یا: ۱۰. ۴. مستفعلاث مستف //

در خواب هول رفتم // با قصه‌ای ز بیداد

آری حکایتی بود // سرب از دهان پولاد (سیمین بهبهانی ۵۸۹)

جامی گناه خواهم // پیمانه‌ای تباہی

وانگاه توهای خاک // آلوده با سیاهی (سیمین بهبهانی ۵۱۳)

من روح می فروشم // کالای من همین است

وز هرچه نارواتر // این نارواترین است (سیمین بهبهانی ۵۴۸)

من دیر دیرسالم // از کهنگی چه بیم

صد گونه باده دارد // میخانه قدیم (سیمین بهبهانی ۸۳۷)

صحت نماد عالم // زاری گرفته کارش

آزده هر دو بالش // افسرده هر دو مارش (سیمین بهبهانی ۸۷۷)

۶۹۷

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال | شماره ۳۶

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰. ۳. مستفعلن مفاعلن //

// - ب - ب -

تندیس پر دروغ من // بر خاک ره فتاده‌ای

ناخفته دیده بسته‌ای // خامش دهان گشاده‌ای (سیمین بهبهانی ۹۹۳)

۱۰. ۳. ۱۱. مستفعلن مفاعل مُس (تسکینی)

- / - ب -

آهسته زیر لب نالید

اشکی فشاند و آهی کرد (سیمین بهبهانی)

۱۰. ۳. ۱۱. ۳. مستفعلن مفاعل مُس //

// - ب - ب / -

ای پرده برگرفته زرخ // می‌بینمت به پرده‌دری

دیوی سیه که جسته برون // از جامه سپید پری (سیمین بهبهانی ۵۳۲)

فارغ ز «من» چگونه شوم // بودای زردپوش! بگو

تدبیر تن چگونه کنم // منشین چنین خموش بگو (سیمین بهبهانی ۷۶۱)

پرواز نبض بود به اوج // چایی که قله بود رسید

وانگاه راه شیب گرفت // از اوج تا فرود رسید (سیمین بهبهانی ۷۷۵)

خط نقطه نقطه نقطه و خط... // آواز میخ نغمه زنی

پیغام پرنشانه او // آید ز شاخ نارونی (سیمین بهبهانی ۹۴۹)

ای رهنورد شب که هنوز // در انتظار صبحدمی

آن به که خوکنی به ملال // داری اگر به سینه غمی (فریدون توللی)

شب می‌شود به دیده من // با وحشتی گران سپری

سر برکش از حجاب افق // آه ای ستاره سحری (بهمن صالحی)

۱۰. ۳. ۱۰ // ۱۱. ۷. ۱۰ . مستفعلن مفاعل مُس // مفاعُل مُس (دوری نامساوی پژواکی، یا

مستزادگونه پژواکی)

- - - / ب - ب / ب - ب / - / -

نیلوفری چو حلقة دود // کبود کبود

آوازی از کرانه رود / صدای که بود (سیمین بهبهانی ۹۵۶)

۱۰. ۳. ۱۲ // ۱۲. ۳. مستفعلن مفاعل مستف //

- - - / ب - ب / - - / -

می‌رقصد از نشاط بهاری // سبزینه در بلور نگاهم

می‌جوشد از طراوت جاری // خون در رگان سرخ و سیاهم (سیمین بهبهانی ۸۰۲)

قطعًا الاغ کودکی من // مردهست و نیز نسل و تبارش

وان پیر آزمند لثیمی // کانگونه می‌کشید به کارش (سیمین بهبهانی ۱۰۴۶)

باغ خزانی توام ای یار // که بی تو برج و بار ندارد

وقتی تو نیستی گل سرخم // تقویم من بهار ندارد (حسین منزوی)

۱۰. ۳. ۱۰ // ۱۲. ۳. ۱۰ . مستفعلن مفاعل مستف // مستفعلن مفا (وزن دوری نامساوی، یا

مستزادگونه)

- - - / ب - ب / ب - ب / - / -

این شاخه‌های خشک زمستانی // این دست‌های سرد

ای دوست جز تجسم عریانی // سویت چه هدیه کرد (سیمین بهبهانی ۷۹۲)

۶۹۸

آینه پژوهش ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

۱۴۴۰ فروردین و اردیبهشت

۱۰. ۴. //۱۱. فاعلاتُ مفتعلن //

// - ب - ب - ب -

عشق حسرتی است کنون// بوسه حسرت دگری
سینه با سکوت و سکون// در خزان گشوده دری (سیمین بهبهانی ۱۰۷۱)
بحر خوب مقتضب است// وزن نیک بوالعجب است
فاعلاتُ مفتعلن// از بحور منتخب است (ترمذی)
وانشد ز خنده گل// خاطر فسردہ ما
زندگی ز سرنگرفت// شوق جان سپردہ ما (محمد قهرمان)

۱۰. ۴. //۱۲. فاعلاتُ مفتعلن فا //

- ب - ب / - ب - / -

ترکه نیستم که شوم خم// کاج استوار بلندم
با من است ذات صلابت// گرچه قطعه قطعه کنندم (سیمین بهبهانی ۹۰۰)
دانه دانه سرخی و سبزی// پرستاره کرده فضا را

۶۹۹
آینهٔ پژوهش | ۲۱۱
سال | ۳۶ شماره | ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

شعله شعله گرد سرم بین// رقص تند دایره‌ها را (سیمین بهبهانی ۵۶۳)
عید پول زرد و عروسک// عید کفش برقی و دامن
عید ترک مشق و دبستان// عید شادِ کردکی من (سیمین بهبهانی ۸۲۵)
می‌رود دگر ز دیارت// خیز و توشه سفرم کن
دل که شد لبالب دردت// خون به ساغر جگرم کن (مهدی اخوان ثالث)

۱۰. ۴. //۱۳. فاعلاتُ مفتعلن فاعل //

- ب / - ب - / -

در سیاهی شب نومیدان// یک چراغ ساده نمی‌بینم
ماه ایستاده به بامی نه// شمع اوفتاده نمی‌بینم (سیمین بهبهانی ۱۱۰۶)

۱۰. ۵. //۱۱. مفاعلن فعلاء //

ب - ب / - ب -

عروسي فيگارو// کجاست تا بروم
نشانی ام بدھید// که از کجا بروم

صلای دعوت او // به گوش می‌رسدم
رها کنید که من // بدان صلا بروم (سیمین بهبهانی ۱۰۲۲)
چرا همی بت من // به من نمی‌نگرد
به یک دو بوسه همی // غم از دلم نبرد (معیارالاشعار)

۱۰* ۱۱.۵. // مفاعلن فعلا // (سیمینه، بدل از «مفاعلن فعلا»)
--/-/-/ب ب

در قاب سرخ غروب // قامت کشیده و راست
کولی بسان بتی // از آبنوس و طلاست (سیمین بهبهانی ۶۶۸)

-۱۰ ۱۲.۵. -) مفاعلن فعلاتن // (تسکینی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن فعلاتن»)
ب --/-/-/ب

یا: -۱۱.۴. -) مفاعلن مفععلن // (تسکینی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن مفتعلن»)
کویر بی‌برگی // دو تن سیه پوشانند
که چون شبانگه آید // دعای باران خوانند (سیمین بهبهانی ۶۰۱)
دو زن دو مشعل در دست // به جستجوی نورند
ولیک در تاریکی // همیشه سرگردانند (سیمین بهبهانی)
شکسته در من چیزی // شکسته چیزی، آری
بلور گفتم، اما // ظرفی تر پنداری (سیمین بهبهانی ۸۱۵)
به جان تو ای طایی // که سوی ما باز آیی
تو هرچه می‌فمایی / همه شکر می‌خایی (مولوی)
ایا بت جان افزا // نه وعده کردی ما را
که من بیایم فردا // ذهی فریب و سودا (مولوی)

۷۰۰

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

۱۰ ۱۳.۵. // مفاعلن فعلاتن مف //
ب --/-/-/ب ب

صدای پای که می‌آید // به کوچه‌ام که گذر دارد
بگو که پنجره بگشایم // اگر ز عشق خبر دارد (سیمین بهبهانی ۸۰۸)
کجاست آن که به آگاهی // برون ز من نگرد «من» را

نگاره سازد و تندیسی// فرا وجود و فراتن را (سیمین بهبهانی ۷۶۵)

ببین به هیئت نیلوفر// فرانشستن بودا را

نگشته دامن پاکش تر// گذشته آب ز سر ما را (سیمین بهبهانی ۷۶۷)

چگونه دست دهد آیا// به پیله بسته شدن بازم؟

که خیمه در شب حیرت زد// حریر آبی پروازم (سیمین بهبهانی، ۷۸۴)

خيال خام پلنگ من// به سوی ماه جهیدن بود

و ماه راز بلندایش// به روی خاک کشیدن بود (حسین منزوی)

غمی که در سخن داری// همان غم است که من دارم

همان غمی که به تفسیرش// به هر بهانه سخن دارم (محمدعلی بهمنی)

من آن درخت زمستانی// برآستان بهارانم

که جز به طعنه نمی‌خندد// شکوفه بر تن عریانم (نادرپور)

۱۰*.۵.۱۳. مافاعلن فعلاتن مف (سیمینه، بدل از «مافاعلن فعلاتن مف»)

۷۰۱

آینهٔ پژوهش ۲۱۱ |

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردين و اردیبهشت ۱۴۰۴

- - - / - / - - -

آهوي پرده نگاهم کرد

با سرمه سوده جادوي

بي نغمه‌ها به نواخوانی

بي واژه‌ها به سخن‌گوئي (سیمین بهبهانی؛ بخارا، فروردين و اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۵۰)

خواهی نباشم خواهم بود

دور از دیار نخواهم شد (سیمین بهبهانی)

تير از کمان به من اندازد

عشق از کمین چو برون تازد (اوحدی)

از هجرت اي بت نوشادي

دورم ز خرمي و شادى (اديب طوسى)

۱۰*.۵.۱۳.*. مافاعلن فعلاتن مف// (سیمینه دوری، مشتق از «مافاعلن فعلاتن مف//»)

// - / - / - - -

من با صدای تو می‌خوانم// در اوج آبی باورها

دارد ترانهٔ پروازم// تحریر بال کبوترها (سیمین بهبهانی ۷۹۸)

وقتی که پنجهٔ تاریکی// چید آن گلابی روشن را

بیرون ز حوصله حس کردم // شب این کویر سترون را (سیمین بهبهانی ۹۴۷)
نقش پرندۀ گمنامی // در سنگواره دورانم
بعد از رسوب هزاران قرن // پرواز چیست؟ نمی‌دانم (سیمین بهبهانی ۹۶۲)
خطی ز سرعت و از آتش // در آبگینه سرا بشکن
بانگ بنشی یکی تندر // در خواب آبی ما بشکن (سیمین بهبهانی ۶۳۱)

۱۰.۶.۱۰. فاعلات مفاعیل

- ب - ب / ب -

یا: ۹.۳.۹. مستفعلن مستف
تازگی چه خبرها؟
کهنه هم خبری نیست (سیمین بهبهانی ۱۱۲۰)

۱۰.۶.۱۰. فاعلات مفاعیل //

// ب - ب / ب -

یا: ۹.۳.۹ // مستفعلن مستف //
خواهد از من رسوا // یار آینه رویم
کانچه خواهد و گوید // طوطیانه بگویم (سیمین بهبهانی ۵۷۹)
خیز و طرف چمن گیر // با حریف سمن روی
گاه سنبل تر چین // گاه شاخ سمن بوی (بحوراللاحان)

۷۰۲

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

۱۳.۶.۱۰. فاعلات مفاعیلن //

- ب - ب / ب -

این صدای چه مرغی بود // در سکوت شب‌نگاهی
برکه شب بی جنبش // نقره گذر ماهی (سیمین بهبهانی ۶۶۰)
سروسبز شکیب آموز // غمگسار تو خواهد شد
برگ سبزی اگر داری // هم نثار تو خواهد شد (سیمین بهبهانی ۵۳۸)
این صدای شکفتن را // از بهار تنم بشنو
هر جوانه به آوازی // گویدت که منم بشنو (سیمین بهبهانی ۷۰۲)
می‌هراسم و این گفتن // خود مخاطره می‌خواهد
روح خفته آتش را // پاک و یک سره می‌خواهد (سپیده سامانی)

۱۰.۶.۱۳.// فاعلاتُ مفاعِلُ فا//

ب- ب- ب- ب- ب-

می نویسم و خط می زنم // کانچه گم شده پیدا کنم
وان تخیل آشفته را // واژه بخشم و گویا کنم (سیمین بهبهانی ۹۱۹)

۱۰.۷.۱۳.// مفاعلُ مستفعل//

ب- ب- ب- ب- ب-

زمین کروی شکل است // شنیدی و می دانی
یمین و یسارش نیست // چنین که تو می دانی (سیمین بهبهانی ۸۶۳)
همیشه همین طور است // کمی به سحر مانده
که دلهره می ریزد // درین دل درمانده (سیمین بهبهانی ۱۰۷۳)
به کاسه این خالی // چه بوده که دیگر نیست
تفکر و هشیاری // که نیست سرم سر نیست (سیمین بهبهانی ۱۱۲۲)

۷۰۳

آینه پژوهش | ۲۱۱
سال | ۳۶ شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰.۷.۱۶.// مفاعلُ مستفعلن مفا//

ب- ب- ب- ب- ب-

تمام دلم دوست داردت // تمام تنم خواستار توست
بیا و به چشمم قدم گذار // که این همه در انتظار توست (سیمین بهبهانی ۱۱۳۴)
کجا؟ به خیابان ناکجا // میان فساد و جمود و دود
که در غم هر بود یا نبود // ز دست ستم شکوه سرکنم (سیمین بهبهانی ۱۱۱۶)
برآمده از آبنوس و شب // توهّم بودانشان من
گشوده دو بازو به دعوتم // ربوده مرا از جهان من (سیمین بهبهانی ۷۶۳)

۱۰.۸.۱۴.// -(مفععلن فاعلا//) (تسکینی در رکن نخست، بدل از: «مفععلن فاعلا»)

ب- ب- ب-

یا: (۱۱.۴.// مفععلن مفععلن //) (تسکینی در رکن نخست، بدل از «مفععلن مفععلن»);
باید چیزی نوشت // باید اما کجا
لوحی یا دفتری // دیگر با ما کجا (سیمین بهبهانی ۷۱۵)
او را از نیکویی // قارون کرده است باز
مرا خواهد همی // کز غم قارون کند (المعجم)

۱۵.۸.۱۰ // مفتعلن فاعلاتن // (دوری، بدل از «مفتعلن فاعلاتُ»)

//-- ب ب -/-

کولی آواره تنهاست // با مه و زنگار، بی تو

خسته زابهام و اندوه // مانده به ناچار بی تو (سیمین بهبهانی ۶۴۵)

داغ جگرگوش باتو // آه چه گویم چه ها کرد

اشک تو را رنگ خون داد // نای تو را ناله زا کرد (سیمین بهبهانی ۸۶۵)

۱۶.۸.۱۰ // مفتعلن فاعلاتُ مُف //

//-- ب ب -/-

از عدم آمد که پر کند // هستی جاری به ساغری

لحظه پویا سکون گرفت، // شد جریان مصوری (سیمین بهبهانی ۹۵۲)

گوشة چشم مختاره ای است؟ // دیده ای آن را ندیده ام

حبه انگور از آسمان // دست فرا برده چیده ام (سیمین بهبهانی ۱۱۲۶)

۷۰۴

آینه پژوهش ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰.۹.۱۱ // فعاتُ فاعلاتن فع //

/-- ب ب /-

نفسی برون نمی آید // چه فضای وحشت آلودی

همه جاتنوره کش دیوی // پی هر تنوره ای دودی (سیمین بهبهانی ۱۰۴۰)

به رجز ندا ز خان آمد // که چه کردم و چه ها کردم

ز دوزلف زهره با تیری // گره آنچه بود واکردم (سیمین بهبهانی ۹۳۹)

۱۹.۲.۱۱ // مفاعلن مفاعيلن // (دوری، برگرفته از «مفاعلن مفاعيلُ»)

//-- ب ب /-

چه گرم دوست می دارم // نوازش نگاهش را

گریز شرمگینش را // گذار گاهگاهش را (سیمین بهبهانی ۴۱۵)

کدام ابر زهرا گین // دوباره چتر خود واکرد

سکوت خانه سربی شد // دلم هوای صحراء کرد (سیمین بهبهانی ۷۱۹)

بخوان که در دل تنگم // زگل بهار بنشانی

درخت خشک بی جان را // به برگ و بار بنشانی (سیمین بهبهانی ۸۳۳)

بهار شاد شورافکن // ز قله‌ها به زیر آمد
هنوز عشق جان دارد // مگو، مگو که دیر آمد! (سیمین بهبهانی ۶۹۱)

۴.۱۱. مفاعلن مفتع//

ب - ب - / -

یا: ۱۰.۸. مفاعلاتن مف
دوباره باید ساخت // شما! که ما رفتیم
اگرچه ننشستیم // ز پای، تارفتیم (سیمین بهبهانی ۷۱۷)
نهاد بر در گوش // صدای یک زن بود
چه رفت بر کولی // دلش ز آهن بود (سیمین بهبهانی ۶۵۱)

۱۱. مفاعلن مفتعل//

ب - ب - / - ب -

یا: ۱۰.۸. مفاعلاتن مفا //
حميد آزاد شد // هویزه آزاد شد
نوشته‌ها جان گرفت // خطوط فریاد شد (سیمین بهبهانی ۷۱۳)
به حق آن خم زلف // به سان منقار باز
به حق آن روی خوب // کزو گرفتی براز (رودکی)
جهان فرتوت باز // جوانی از سر گرفت
به سرز یاقوت سرخ // شقايق افسر گرفت (قآنی)
چو ابر برد سر // ز کوه مازندران
سیاه کرد این جهان // همه کران تا کران (نیما)
مرا سحر چون گذر // به طرف بستان فتد
ز شوق آن گل عذار // ز دیده باران فتد (جامی)

-۱۱.۴.-(مفاعلن مفتحن// (تسکینی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن مفتحن»)

ب - ب - / -

یا: -(۱۰.۵.۱۲.۰.-) مفاعلن فعالتن// (تسکینی در رکن دوم، بدل از «مفاعلن فعالتن»)
کویر بی برگی را // دو تن سیه پوشانند

۷۰۵

آینه پژوهش | ۲۱۱
سال | شماره ۳۶
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

که چون شبانگه آید // دعای باران خوانند (سیمین بهبهانی ۶۱۱)
به جان تو ای طایی // که سوی ما باز آیی
تو هرچه می‌فرمایی / همه شکرمی‌خایی (مولوی)
ایا بت جان افرا // نه وعده کردی ما را
که من بیایم فردا // زهی فریب و سودا (مولوی)

= ۱۱. ۴. // ۱۲. = مفالنِ مفععلن مف // (قلب در رکن اول، بدل از «مفاععلن مفععلن مف»)
---/---/-/-

سلامی ز عقدۀ عشقی // پر از بیدمشک بهاری
فریستم به سوی دیارت // به سودای عقده‌گشایی (سیمین بهبهانی ۹۱۵)
تو آن ماه زهره‌جبینی // و آن سرو لاله عذاری
که بر لاله غالیه سایی // و از طرۀ غالیه باری (خواجوی کرمانی)

۱۱*. ۱۲. ۵. *مفاععلن فعلاتن (سیمینه؛ مشتق از مفاععلن فعلاتن)

۷۵۶

آینهٔ پژوهش ۲۱۱ |
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۶

بنشین که ماحضری هست (سیمین بهبهانی ۱۰۵۲)
من رند بی‌سرپاپیم
دست آزمون خدایم (ادیب طوسی)
هر گوشه از تو نشانی است
ای کوک شب یلدا (شرف)

* ۱۱*. ۱۲. ۵. *مفاععلن فعلاتن // (سیمینه، بدل از «مفاععلن فعلاتن»)
---/---/-/-

سر در نشیب حضیضم // شاهین اوح خیالم
سربی دویده به قلبم // سرخی چکیده ز بالم (سیمین بهبهانی ۵۵۴)
مرگت زوال شتاب است // مرگت دوام درنگ است
جاری نبودن آب است // بی نقش ماندن رنگ است (سیمین بهبهانی ۶۰۷)
یک رودخانه تحرّک // یک بامداد جوانی

یک آفتاب درخشش // یک ماه نقره‌فشانی (سیمین بهبهانی ۱۱۳۰)
وقتی زمانه جوان است // حس می‌کنم که جوانم
آم که روشن و لغزان // در رودخانه روانم (سیمین بهبهانی ۱۱۳۲)
بر تختگاه تجرد // سلطان نامور من
با سیرت ملکوتی // در صورت بشم من (بهار)

* ۱۱. ۱۲. ۵. ۱۰. ۵. *مافاعلن فعلن// مافاعلن فعلن (سیمینه، بدل از: مفاعلن فعلن// مفاعلن فعلن) (وزن دوری نامساوی، یا مستزادگونه)

- - - / - - - / - - -

با نخل‌های سترون // با تاک‌های عقیم
جز غمگنانه چه گوید // نجوای نور و نسیم (سیمین بهبهانی ۱۰۶۳)

= ۱۱. // ۱۴. ۶. =فامعیل مفاعلن مف// (قلب در رکن اول، بدل از «فامعیل مفاعلن مف//»)

- - - / - - - / - - -

لیک لحظه اگر بمیرد // جاش لحظه نو بگیرد
من ز پویه اگر بمانم // نسل نوز پیام دوان است (سیمین بهبهانی)

// ۱۳. ۷. ۱۱. مستفعل فاعل//

- - - / - - - / - - -

عید آمد و می‌رود // بی پیک و پیام تو
صد نامه گشوده‌ام // بی یک گل نام تو (سیمین بهبهانی ۶۸۴)
ای عارض و قد تو// از سرو وزمه نشان
سرتو طرب فرای // ماه تو نشاط جان (سوزنی)
من و مستم و دل خراب // جان تشنه و ساغر آب
برخیز و بده شراب // بنشین و بزن رباب (خواجه)

// ۱۵. ۷. ۱۱. مستفعل فاعلث مس//

- - - / - - - / - - -

با قهر چه می‌کشی مرا // من کشته مهریانی ام
یک خنده و یک نگاه بس // تا کشته خود بدانی ام (سیمین بهبهانی ۱۱۴۰)

من تار توان تو پود من // این بافته را نظیر نه
خوش‌رنگ‌ترو لطیف‌تر // کس دیده از این حریر نه (سیمین بهبهانی)

۱۱+ . ۷ . ۱۵ . + مستفعلُ فاعلَتْن مس // (افزایشی، بدل از «مستفعلُ فاعلَتْ مس»)
-- / -- / -- / --

یک خمره برای من کافی است // تا دختر دیوجان باشم
اما به توراست می‌گوییم // من نیستم این که آن باشم (سیمین بهبهانی^{۱۰۵۷})

وزن هجایی: --- / --- / --- / --- / ---
هی‌ها هی‌ها ره بگشا // رفتن را میدان باید
این محمل را پویایی // افزون از توفان باید (سیمین بهبهانی^{۱۷۲۳})

نتیجه‌گیری

۷۰۸

آینه پژوهش ۲۱۱ | سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین واردیبهشت ۱۴۰۳

سیمین بهبهانی در دوره‌ای از زندگی ادبی خود به استفاده از وزن‌های کم‌کاربرد و مشتق و فرعی روی آورد و چنان در این مسیر پیش رفت که اشعار او مبدل به گنجینه ارزشمندی برای بررسی این قبیل وزن‌های شعر فارسی شد. زمانی به اهمیت این دسته از وزن‌ها بیشتر پی می‌بریم که دریابیم بسیاری از وزن‌های وی دوری بوده و هیچ ساققه‌ای در شعر فارسی نداشته‌اند. در مورد طبقه‌بندی و نام‌گذاری وزن‌های اصلی و مشتق پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما وزن‌های کم‌کاربرد کوتاه و مخصوصاً وزن‌های فرعی نیازمند توجه و تحقیق بیشتری هستند. در این مقاله کوشیده‌ایم تا بر اساس قواعد و شیوه تقطیع ابوالحسن نجفی و نیز طبقه‌بندی علی اصغر قهرمانی مقبل، این وزن‌ها را بررسی کنیم و با طرح تمهداتی چون ارجاع و قلب و کاهش و افزایش، راهی را برای طبقه‌بندی و نام‌گذاری دقیق آنها پیشنهاد کنیم. از آنجاکه تعداد وزن‌های کوتاه و فرعی در اشعار سیمین چندان زیاد نیست، جهت تکمیل بحث، تعدادی از وزن‌های کوتاه و فرعی از شاعران دیگر را نیز به فهرست وزن‌های سیمین افروخته‌ایم. از فهرستی که برای این وزن‌ها در مقاله حاضر عرضه داشته‌ایم، می‌توان به عنوان نمونه یا سرمشقی برای طبقه‌بندی و نام‌گذاری وزن‌های گوناگون شعر فارسی استفاده کرد.

۱. این شعر تنها شعر هجایی یا یقایی در بین مجموعه اشعار سیمین بهبهانی است (برای اطلاعات بیشتر درباره انواع وزن‌های هجایی و نحوه تقطیع آنها رجوع شود به وحیدیان ۱۳۷۰؛ ۱۳۶۳؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۱ الف).

فهرست مأخذ

- الهی، صدرالدین. (۱۳۷۶). «ابداع اوزان تازه در شعر فارسی (گفتگوی دکتر صدرالدین الهی با سیمین بهبهانی)». در: ایران‌شناسی. سال ۹. شماره ۱. بهار. ۱۱۷-۱۳۴.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۶۰)، خطی زسرعت و از آتش، تهران، زوار.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۸)، مجموعه اشعار سیمین بهبهانی، تهران، نگاه.
- پناهی، غلامرضا (۱۳۹۹.۱۳۹۵). آشنایی با اوزان عروضی. ۵ مجلد، تهران: پیام.
- سلمانی، مهدی (و) حدادی، ناصر (۱۳۹۷). «طبقه‌بندی اوزان شعر فارسی»، در: فنون ادبی، سال ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۲۳، ص ۱۱۹-۱۳۴.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). فرهنگ عروضی. تهران. انتشارات فردوس.
- طبیب‌زاده، آریا (۴۰۰). عروض و قافیه در تصحیحات ایيات عربی در متون نثر فارسی؛ گلستان و سه متن مصنوع، تهران: کتاب بهار.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۹۰). «یک اقتراح عروضی» در جشن‌نامه دکتر فتح‌الله مجتبایی. به کوشش علی اشرف صادقی و ابوالفضل خطیبی. تهران: هرمس.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۹۹ ب). تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی. ویراست دوم، تهران: کتاب بهار.

۷۰۹

آینه پژوهش ۲۱۱ |
سال ۳۶ | شماره ۱
۱۴۰۶ فروردین و اردیبهشت

- طبیب‌زاده، امید (۱۴۰۰). «وزن‌های دوری چندپاره». نشریه علمی زبان فارسی و گویش‌های ایرانی. دوره ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۱، فروردین، ص ۱۲۹-۱۴۱.
- طبیب‌زاده، امید (۱۴۰۱ الف). «وزن هجایی (ایقاعی)». زبان و زبان‌شناسی. دوره ۱۶، شماره ۲، پیاپی ۳۳، پاییز و زمستان.
- طبیب‌زاده، امید (۱۴۰۱ ب). وزن شعر عروضی فارسی؛ تحلیل و طبقه‌بندی بر اساس تقطیع اتائینی و نظریه واژ‌شناسی نوایی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (و) کتاب بهار.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۹). معیارالاشعار. به اهتمام جلیل تجلیل. تهران: جامی (و) ناهید.
- قهمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۰). عروض و قافیه عربی. تهران: دانشگاه خلیج فارس (بوشهر) و سازمان مطالعه و تدوین (سمت) - مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- قهمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۷). «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و شیوه نام‌گذاری وزن‌ها». نامه فرهنگستان. (۱۱)، پیاپی ۶۵، ص ۳۴۵.
- قهمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۹). «رکن‌های پنج هجایی در عروض عربی و فارسی و کارکرد آن‌ها در عروض فارسی». زبان فارسی و گویش‌های ایرانی. (۵)، شماره پیاپی ۹، ص ۴۵-۶۵.
- قهمانی مقبل، علی اصغر (۱۴۰۰). «سوغات سیمین بهبهانی به عروض فارسی: قاعدة سیمینه (سیمینگی) در اوزان فارسی». ادبیات پارسی معاصر. دوره ۱۱، شماره ۲، بهمن، ۱۴۰۲-۱۳۹۵.
- قهمانی مقبل، علی اصغر (۱۴۰۲). عروض و قافیه شعر فارسی؛ با رویکرد جدید، تهران، نشر نی.
- محمدی، داود (۱۳۹۰). «معرفی اوزان تازه و نادر در اشعار سیمین بهبهانی»، در: مجله مطالعات زبانی بلاغی، سال ۲، بهار و تابستان، شماره ۳، ص ۱۱۱-۱۳۶.

- مدرسی، حسین (۱۳۸۴)، فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی، تهران، سمت.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۲). «اختیارات شاعری». جنگ اصفهان. دفتر دهم، ص ۱۸۹.۱۴۷
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۳، تابستان). «وزن دوری، مشکلی که عروض قدیم آن را نادیده گرفته است». نامه فرهنگستان. ۱۲ (دوره ۴) پیاپی ۵۲، ص ۱۸۶.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴). اختیارات شاعری و مقاله‌های دیگر در عروض فارسی. تهران: نیلوفر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۵). وزن شعر فارسی (درس نامه). به همت امید طبیب‌زاده. تهران: نیلوفر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۷). طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی. به همت امید طبیب‌زاده. تهران: نیلوفر.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۳، تابستان). «اوزان ایقاعی در شعر فارسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۶۶، ص ۳۴۸.۳۲۳
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۶). «اوزان ایقاعی در شعر فارسی». در: حرف‌های تازه در ادب فارسی. اهواز: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید چمران، ص ۹۱.۷۵
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۹). فرهنگ اوزان شعر فارسی. مشهد. دانشگاه فردوسی.
- وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز [۱] (مجموعه سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی در انجمن زبان‌شناسی ایران: ۹ و ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹) (۱۳۹۰). به کوشش امید طبیب‌زاده. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز [۲] (مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی در انجمن زبان‌شناسی ایران: ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۲) (۱۳۹۴). به کوشش امید طبیب‌زاده. تهران: هرمس.

وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز [۳] (مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی در انجمن زبان‌شناسی ایران: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵) (۱۳۹۷). به کوشش امید طبیب‌زاده. تهران: نیلوفر.

Elwell-Sutton, L. P. (1976). *The Persian meters*. Cambridge: Cambridge University Press.

Tabibzadegh, Omid. in-Press [2025]. "Correspondence Rules and Classification of Persian Quantitative Poetic Meters". in: *Springer Handbook of Phonetics and Phonology of Modern Iranian Languages*.

۷۱۰

آینه پژوهش ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
۱۴۴ فروردین واردیبهشت